

آقای این پیشنهاد شما من پیشنهاد آقای کازرونی است.

آقای میرزا شهاب الدین - خیر من يك قسمت از عبارت را برداشتم ایشان فقط (یا) را برداشته اند بنده يك شرط و نیم عبارت را برداشته ام.

رئیس - مطلب یکی است قسمت اولش رد شده است بموجب پیشنهادی که آقای کازرونی کردند. قسمت دوم هم که مسئله قابل ایتناج درش هست که در ماده هست در اینصورت گمان نمیکنم بشود درش رای گرفت. پیشنهاد آقای شیروانی هم که در واقع بایشهاد آقای مدرس قابل توجه نشد.

شیروانی - بله **رئیس** - پیشنهاد آقای تقی زاده (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکند بمعاذلفعالآلات تقابلی علاوه شود.

واوزان و مقادیر خارجه.

تقی زاده - بنده توضیح لازم در دادم ولی چیزی را که آقای مخبر فرمودند در لایحه هست از اول تا آخر قانون را بنده ملاحظه کردم هیچ کلمه ای که اوزان خارجه را استثناء کند نیست.

ماده دوم را که ملاحظه نمودم دیدم اوزان منسوخه استثناء شده.

باین جهت آنرا حذف کرده ولی برای اوزان خارجه هیچ استثنائی نیست برای اینکه اوزان خارجه را نمیتواند جز اوزان تقابلی فرض کرد.

ایشان فرمودند قانون میگوید اوزان و مقادیری که غیر از این باشد مستثنی است ولی این کلمه در هیچ جای قانون نیست.

لذا تصور میکنم باید صریحاً نوشته شود اوزان و مقادیر خارجه هم استعمالش ممنوع است.

البته در اینهم اختلافی در مجلس نیست و این چیزها از اول اولیست است و باید در تکمیل آنها کوشید.

مخبر - در اینجا لازم است ماده ۹ را بنده قرائت کنم.

در ماده ۹ میگوید پس از اقصاء مدت مذکوره در ماده هشت استعمال کلیه مقیاسهای سابق اکیداً ممنوع خواهد شد.

و آن پیشنهاد بر فرض هم که لازم باشد بنده معتمد در ماده نهم میشود و آنهم باید نوشته شود مقیاسها براسم و رسم باشد.

دیگر لازم نیست اسم خارجه را بیاورند زیرا ماده منع کرده است کلیه مقیاسهای سابق را و نگفته است مقیاسهای سابق ایران و وقتی مطلق باشد بطور هم یکی از مقیاسهای سابق بوده است که فرضاً در انزلی با آن وزن میکردند و وقتی نوشتند کلیه مقیاسهای سابق ممنوع میشود یعنی هر مقیاس که سابق بوده است چه خارجی و چه داخلی ممنوع است و از طرف دیگر در

ماده اول هم که معین میکنند اوزان و مقیاسهای رسمی مملکت بسایه این طور باشد.

حالا بنده عقیده ام این است بر فرض اینکه بخواهند این پیشنهاد را قبول کنند بیآورند در ماده ۹ و برای اطمینان اینکه شامل مقیاسهای سابق هم خواهد شد بنویسند مقیاسهای سابق بهر اسم و رسم و آن وقت شامل تمام مقیاسها خواهد شد جایز در ماده نه است و در ماده پنج نیست.

رئیس - آقایانی که ... **شیخ الرئیس** - بنده عرض دارم عضو کمیسیون هم هستم.

رئیس - آقای مخبر جواب داده اند آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(اكثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای تهرانی.

(بشرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۹ باین طریق اصلاح شود.

کلیه ممالاتی که میشود باید با اوزان و مقیاسهای رسمی باشد و ممالاتی که به ضبط آن آلات از سه روز تا ده روز یا از یک تومان تا ده تومان بنظر محکمه صالحه محکوم خواهد بود.

رئیس - این همان پیشنهاد آقای کازرونی است.

آقای شیخ محمدعلی طهرانی - در مسئله حبس بنده مخالفم.

رئیس - خوب راجع به قسمت حبس توضیح بدهید.

آقای شیخ محمدعلی - بیاناتی که حضرت آقای مدرس فرمودند البته اصولی است.

لکن اینجا اگر فرض کنیم يك من رسمی يك وزنی باشد يك کسی يك وزنه داشته باشد که مطابق با همان يك من رسمی باشد و با آن معامله کند.

اینجا يك وزنه تقابلی آمده معامله کرده زیرا تقابلی یعنی يك وزنه ای که مهر دولت روی آن نیست اما میزان آن از جهت وزن مطابق با آن وزنی است که دولت آن را تشخیص داده و وضع کرده است و اگر آنها را که در دو کفه ترازو بگذاریم يك مو با هم اقتراق ندارد بلکه بیشتر هم هست.

این تقابلی آن تقابلی شرعی نیست تقابلی است.

یعنی يك وزنه ای که دولت آنرا رسمیت نداده و مهر نزنده است با آن معامله کرده بنده گمان نمیکنم يك کسی که معامله ای با این کیفیت کرده یعنی بوزن واقعی معامله کرده حبسش معنی معنی باشد و مسلم باید حبس

شود. گمان نمیکنم این يك موازنه شرعی داشته باشد و اگر کسی استعمال بکند يك وزنه ای را که مخالف باشد باوزنه دولتی یعنی نمره دولتی روی آن نخورده باشد عرفاً يك تخلف قانونی مملکتی کرده و این يك تقصیری نیست که شرعاً باید محکوم بیکامه حبس باشد.

بنا بر این اینجا باید حبس تعیینی باشد.

حبس تعیینی هم نسبت بجرم مجرم و نسبت بنظر محکمه فرق میکند. سه روز باشد یا پنج روز باشد.

بنا بر این باید حبس تعیینی باشد اما نه راجع بشخص مجرم بلکه به نظر محکمه و نظر محکمه صالحه قضاوت کند که این شخص را باید حبس کرد یا آنکه جرم نقدی ازش گرفت.

از این جهت بنده به عنوان تعیینی و تعیینی هم که به نظر محکمه باشد پیشنهاد کردم.

رئیس - قسمت اول چون قابل توجه نشده است رای نمیگیریم بجزاخر باید رای بگیریم.

(پیشنهاد آقای تهرانی مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - گمان میکنم قسمت دوم هم رد شده باشد بموجب رای که در پیشنهاد آقای تدین و یک پیشنهاد دیگر کرده شد.

آقای شیخ محمدعلی طهرانی - پس گرفتیم **آقای اسد یعقوب** - میگوید پس گرفتیم.

رئیس - مسترد میدارید؟ **تهرانی** - خیر.

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن سه تاده روز حبس یا از يك تومان تا ده تومان جریمه آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای یاسانی.

(بشرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم کلمه تعیینی تبدیل بتدبیری شود.

رئیس - بفرمایند آقای یاسانی - عرض کردم آقایان کاملاً توجه نفرمودند آقای آقا سید یعقوب هم بیاناتی فرمودند که بنده ناچارم عرض کنم در آن قانونیکه از مجلس گذرانده اند فراموش کرده اند ...

مدرس - از مجلس نگذشته.

یاسانی - چرا بکمیسیون عدله اختیار داده شده که بگذرانند آنجا مجازاتها تقسیم شده است سه قسمت ، تکدیری ، تأدیبی ، تزدیلی ، قاضی بدبخت هم که میخواهد جرم را تشخیص بدهد از روی این

اصطلاحات باید تشخیص بدهد. بسامست دعای می رود قوس صعود و نزولی طی میکند و می رود بمحکمه تمیز و بر میگردد و هر دو را مبتلا بنماید.

برای اینکه فلان قاضی می گوید خلاف است و با دیگری میگوید جنحه است و بالاخره مجازاتها از روی درجاتی که در آن قانون معین شده است باید تعیین کنند این است که بنده عرض میکنم باید روی آن سه اصل پایه را قرارداد و مجازات از روی آن سه اصل باشد - دیگر بسته است بنظر مجلس.

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟ **مخبر** - بنظر مجلس واگذار میکنم **رئیس** - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای یاسانی.

آقایان موافقین قیام فرمایند. (اكثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای قائم مقام.

(بضمون ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم بعد از عبارت کلیه تجار و کسبه و قیامدارها و صنعتگران عوض لفظ (و غیره) (و امثال آنها) نوشته شود.

قائم مقام - در این ماده لفظ و غیره نوشته شده است در اینجا خیلی متاثر کرده شده ولی جوابهایی را که آقای مخبر دادند بعقیده بنده قانع کننده نبود.

اینجا اگر مقصود از این عبارت این است که هر کس مرتکب این عمل شود جرم میشود آنوقت دیگر لازم نیست اسم برده شود فقط بتوسیله اشخاص.

پس معلوم میشود که مقصود کلیه مردم نیست و این (و غیره) که در این جا نوشته اند تمام مردم شامل میشود و ممکن است يك کسی شخصاً يك وزنه در خانه خودش داشته باشد و نباید متعرض او شد.

بنابر این برای اینکه شامل تمام مردم نشود فقط شامل تجار و کسبه و قیامدار و امثال آنها شود که معامله میکنند.

این است که بنده پیشنهاد کردم بجای لفظ (و غیره) (و امثال آنها) نوشته شود.

مخبر - تبدیل لفظ (و غیره) به امثال آنها تفاوتی نمیکند برای اینکه اسباب زحمت خیسانی عده ای نشده باشد قبول می کنم.

رئیس - پیشنهاد دیگری از ایشان رسیده است قرائت میشود. (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده پنج پس از عبارت در حجره و یا دکان و یا کاروانسرا و یا تجارتخانه لفظ و غیره حذف شود.

قائم مقام - در این ماده نوشته شده است حجره یا کاروانسرا و دکان و کارخانجات و غیره گویا مقصود این است که اگر توی خانه يك کسی يك سنگی باشد متعرض او

نباشند. ولی در تجارتخانه و دکان که معامله می شود نباید چنین سنگی باشد در این صورت لفظ و غیره شامل خانها هم می شود و يك کلمه لاستیک داری است که تا هر جا نخواهند کشیده می شود. بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که لفظ و غیره حذف شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده از آقای مخبر تعجب میکنم که بطور قبول کردند بجای و غیره و امثال آنها نوشته شود و با توضیحاتی که سابقاً داده شد اگر آقا ماداموا ملاحظه بفرمایند می بینند وقتی که دولت سنگ رسمی تهیه کرد و به آن شخصی داد دیگر آن شخص توی خانه اش سنگ می خواهد چه کند؟ و بفرمایش آقای مخبر این سنگ لعل و مرجان که نیست که در توی خانه اش نگاه دارد.

ما میخواهیم مملکتان را در تحت انتظامات قانونی جریان بدهیم و در تحت يك قوانینی که از تصویب مجلس میگردد تمام آن چیزهایی که آثار دوره های قبل از تمدن است از بین برود و بعد از آنکه دولت دید که در مملکت وسایل اجرای آن قانون فراهم است آن را اعلان می نماید و در ایالات چهار ماه پس از نشر اعلان و در ایالات شش ماه پس از اعلان به موقع اجرا گذاشته می شود وقتی دولت اعلان کرد که بعد از این باید در تمام ایالات و ولایات با این اوزان معاملات بشود حتی بونه که نقود تقابلی در آن درست می کنند دولت آنرا باید بخورد کند و اشیائیکه برخلاف قوانین مملکتی است باید از بین برود.

حالا می در هر جا موارد تخلف از قانون را شما ایجاد می فرمایند؛ باید يك قدری مامحکم باشیم تا تخلف از قانون نشود چند سال ما باید صبر کنیم تا قانونی در کله ما وارد شود و مملکت ما قانونی بشود.

اگر ما می خواهیم روبرو نمیشیم و مملکت ما قانونی باشد باید راه تقاب را مسدود کنیم.

بنابر این وقتی که دولت این سنگ را تهیه کرد دیگر آن شخص سنگ را می خواهد چه کند که توی خانه اش نگاه دارد؟

اگر دولت سنگ رسمی را تهیه نکرد شما بگوئید که دولت تهیه نکرده است یا این مدت قانونی کافی نیست اما پس از آنکه دولت تمام مقیاسهای وزن و کیل و غیره را تهیه کرده است دیگر آن شخص سنگ را روی خانه اش برای چکار میخواهد؟ و غیر از اینکه اسباب قلب است هیچ قایده ندارد.

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای قائم مقام. آقایانی که

موافقت قیام فرمایند. (ماده برخوانند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهادها به کمیسیون مراجعه می شود - فعلاً چند دقیقه تنفس داده می شود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده ششم قرائت میشود. (شرح آتی خوانده شد)

ماده ششم - منتهی اختلافی که اوزان و مقیاسهای مستعمله بانو نه اوزان و مقیاسهای رسمی که در شصت اوزان و مقیاسها موجود است می توانند داشته باشند به قرار است که در جدول نمره (۳) تصریح گردیده و هر گاه معلوم شود که وزن یا مقیاس باندازه های قانونی زیاد یا کمتر از آنچه مقرر است اختلاف دارد در صورتیکه هم که دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته شده و مصادره خواهد شد.

ما میخواهیم مملکتان را در تحت انتظامات قانونی جریان بدهیم و در تحت يك قوانینی که از تصویب مجلس میگردد تمام آن چیزهایی که آثار دوره های قبل از تمدن است از بین برود و بعد از آنکه دولت دید که در مملکت وسایل اجرای آن قانون فراهم است آن را اعلان می نماید و در ایالات چهار ماه پس از نشر اعلان و در ایالات شش ماه پس از اعلان به موقع اجرا گذاشته می شود وقتی دولت اعلان کرد که بعد از این باید در تمام ایالات و ولایات با این اوزان معاملات بشود حتی بونه که نقود تقابلی در آن درست می کنند دولت آنرا باید بخورد کند و اشیائیکه برخلاف قوانین مملکتی است باید از بین برود.

حالا می در هر جا موارد تخلف از قانون را شما ایجاد می فرمایند؛ باید يك قدری مامحکم باشیم تا تخلف از قانون نشود چند سال ما باید صبر کنیم تا قانونی در کله ما وارد شود و مملکت ما قانونی بشود.

اگر ما می خواهیم روبرو نمیشیم و مملکت ما قانونی باشد باید راه تقاب را مسدود کنیم.

بنابر این وقتی که دولت این سنگ را تهیه کرد دیگر آن شخص سنگ را می خواهد چه کند که توی خانه اش نگاه دارد؟

اگر دولت سنگ رسمی را تهیه نکرد شما بگوئید که دولت تهیه نکرده است یا این مدت قانونی کافی نیست اما پس از آنکه دولت تمام مقیاسهای وزن و کیل و غیره را تهیه کرده است دیگر آن شخص سنگ را روی خانه اش برای چکار میخواهد؟ و غیر از اینکه اسباب قلب است هیچ قایده ندارد.

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای قائم مقام. آقایانی که

موافقت قیام فرمایند. (ماده برخوانند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهادها به کمیسیون مراجعه می شود - فعلاً چند دقیقه تنفس داده می شود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده ششم قرائت میشود. (شرح آتی خوانده شد)

ماده ششم - منتهی اختلافی که اوزان و مقیاسهای مستعمله بانو نه اوزان و مقیاسهای رسمی که در شصت اوزان و مقیاسها موجود است می توانند داشته باشند به قرار است که در جدول نمره (۳) تصریح گردیده و هر گاه معلوم شود که وزن یا مقیاس باندازه های قانونی زیاد یا کمتر از آنچه مقرر است اختلاف دارد در صورتیکه هم که دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته شده و مصادره خواهد شد.

ما میخواهیم مملکتان را در تحت انتظامات قانونی جریان بدهیم و در تحت يك قوانینی که از تصویب مجلس میگردد تمام آن چیزهایی که آثار دوره های قبل از تمدن است از بین برود و بعد از آنکه دولت دید که در مملکت وسایل اجرای آن قانون فراهم است آن را اعلان می نماید و در ایالات چهار ماه پس از نشر اعلان و در ایالات شش ماه پس از اعلان به موقع اجرا گذاشته می شود وقتی دولت اعلان کرد که بعد از این باید در تمام ایالات و ولایات با این اوزان معاملات بشود حتی بونه که نقود تقابلی در آن درست می کنند دولت آنرا باید بخورد کند و اشیائیکه برخلاف قوانین مملکتی است باید از بین برود.

حالا می در هر جا موارد تخلف از قانون را شما ایجاد می فرمایند؛ باید يك قدری مامحکم باشیم تا تخلف از قانون نشود چند سال ما باید صبر کنیم تا قانونی در کله ما وارد شود و مملکت ما قانونی بشود.

اگر ما می خواهیم روبرو نمیشیم و مملکت ما قانونی باشد باید راه تقاب را مسدود کنیم.

بنابر این وقتی که دولت این سنگ را تهیه کرد دیگر آن شخص سنگ را می خواهد چه کند که توی خانه اش نگاه دارد؟

اگر دولت سنگ رسمی را تهیه نکرد شما بگوئید که دولت تهیه نکرده است یا این مدت قانونی کافی نیست اما پس از آنکه دولت تمام مقیاسهای وزن و کیل و غیره را تهیه کرده است دیگر آن شخص سنگ را روی خانه اش برای چکار میخواهد؟ و غیر از اینکه اسباب قلب است هیچ قایده ندارد.

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای قائم مقام. آقایانی که

موافقت قیام فرمایند. (ماده برخوانند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهادها به کمیسیون مراجعه می شود - فعلاً چند دقیقه تنفس داده می شود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده ششم قرائت میشود. (شرح آتی خوانده شد)

ماده ششم - منتهی اختلافی که اوزان و مقیاسهای مستعمله بانو نه اوزان و مقیاسهای رسمی که در شصت اوزان و مقیاسها موجود است می توانند داشته باشند به قرار است که در جدول نمره (۳) تصریح گردیده و هر گاه معلوم شود که وزن یا مقیاس باندازه های قانونی زیاد یا کمتر از آنچه مقرر است اختلاف دارد در صورتیکه هم که دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته شده و مصادره خواهد شد.

ما میخواهیم مملکتان را در تحت انتظامات قانونی جریان بدهیم و در تحت يك قوانینی که از تصویب مجلس میگردد تمام آن چیزهایی که آثار دوره های قبل از تمدن است از بین برود و بعد از آنکه دولت دید که در مملکت وسایل اجرای آن قانون فراهم است آن را اعلان می نماید و در ایالات چهار ماه پس از نشر اعلان و در ایالات شش ماه پس از اعلان به موقع اجرا گذاشته می شود وقتی دولت اعلان کرد که بعد از این باید در تمام ایالات و ولایات با این اوزان معاملات بشود حتی بونه که نقود تقابلی در آن درست می کنند دولت آنرا باید بخورد کند و اشیائیکه برخلاف قوانین مملکتی است باید از بین برود.

حالا می در هر جا موارد تخلف از قانون را شما ایجاد می فرمایند؛ باید يك قدری مامحکم باشیم تا تخلف از قانون نشود چند سال ما باید صبر کنیم تا قانونی در کله ما وارد شود و مملکت ما قانونی بشود.

اگر ما می خواهیم روبرو نمیشیم و مملکت ما قانونی باشد باید راه تقاب را مسدود کنیم.

بنابر این وقتی که دولت این سنگ را تهیه کرد دیگر آن شخص سنگ را می خواهد چه کند که توی خانه اش نگاه دارد؟

اگر دولت سنگ رسمی را تهیه نکرد شما بگوئید که دولت تهیه نکرده است یا این مدت قانونی کافی نیست اما پس از آنکه دولت تمام مقیاسهای وزن و کیل و غیره را تهیه کرده است دیگر آن شخص سنگ را روی خانه اش برای چکار میخواهد؟ و غیر از اینکه اسباب قلب است هیچ قایده ندارد.

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای قائم مقام. آقایانی که

موافقت قیام فرمایند. (ماده برخوانند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهادها به کمیسیون مراجعه می شود - فعلاً چند دقیقه تنفس داده می شود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده ششم قرائت میشود. (شرح آتی خوانده شد)

ماده ششم - منتهی اختلافی که اوزان و مقیاسهای مستعمله بانو نه اوزان و مقیاسهای رسمی که در شصت اوزان و مقیاسها موجود است می توانند داشته باشند به قرار است که در جدول نمره (۳) تصریح گردیده و هر گاه معلوم شود که وزن یا مقیاس باندازه های قانونی زیاد یا کمتر از آنچه مقرر است اختلاف دارد در صورتیکه هم که دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته شده و مصادره خواهد شد.

ما میخواهیم مملکتان را در تحت انتظامات قانونی جریان بدهیم و در تحت يك قوانینی که از تصویب مجلس میگردد تمام آن چیزهایی که آثار دوره های قبل از تمدن است از بین برود و بعد از آنکه دولت دید که در مملکت وسایل اجرای آن قانون فراهم است آن را اعلان می نماید و در ایالات چهار ماه پس از نشر اعلان و در ایالات شش ماه پس از اعلان به موقع اجرا گذاشته می شود وقتی دولت اعلان کرد که بعد از این باید در تمام ایالات و ولایات با این اوزان معاملات بشود حتی بونه که نقود تقابلی در آن درست می کنند دولت آنرا باید بخورد کند و اشیائیکه برخلاف قوانین مملکتی است باید از بین برود.

حالا می در هر جا موارد تخلف از قانون را شما ایجاد می فرمایند؛ باید يك قدری مامحکم باشیم تا تخلف از قانون نشود چند سال ما باید صبر کنیم تا قانونی در کله ما وارد شود و مملکت ما قانونی بشود.

اگر ما می خواهیم روبرو نمیشیم و مملکت ما قانونی باشد باید راه تقاب را مسدود کنیم.

بنابر این وقتی که دولت این سنگ را تهیه کرد دیگر آن شخص سنگ را می خواهد چه کند که توی خانه اش نگاه دارد؟

اگر دولت سنگ رسمی را تهیه نکرد شما بگوئید که دولت تهیه نکرده است یا این مدت قانونی کافی نیست اما پس از آنکه دولت تمام مقیاسهای وزن و کیل و غیره را تهیه کرده است دیگر آن شخص سنگ را روی خانه اش برای چکار میخواهد؟ و غیر از اینکه اسباب قلب است هیچ قایده ندارد.

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای قائم مقام. آقایانی که

موافقت قیام فرمایند. (ماده برخوانند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهادها به کمیسیون مراجعه می شود - فعلاً چند دقیقه تنفس داده می شود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده ششم قرائت میشود. (شرح آتی خوانده شد)

ماده ششم - منتهی اختلافی که اوزان و مقیاسهای مستعمله بانو نه اوزان و مقیاسهای رسمی که در شصت اوزان و مقیاسها موجود است می توانند داشته باشند به قرار است که در جدول نمره (۳) تصریح گردیده و هر گاه معلوم شود که وزن یا مقیاس باندازه های قانونی زیاد یا کمتر از آنچه مقرر است اختلاف دارد در صورتیکه هم که دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته شده و مصادره خواهد شد.

ما میخواهیم مملکتان را در تحت انتظامات قانونی جریان بدهیم و در تحت يك قوانینی که از تصویب مجلس میگردد تمام آن چیزهایی که آثار دوره های قبل از تمدن است از بین برود و بعد از آنکه دولت دید که در مملکت وسایل اجرای آن قانون فراهم است آن را اعلان می نماید و در ایالات چهار ماه پس از نشر اعلان و در ایالات شش ماه پس از اعلان به موقع اجرا گذاشته می شود وقتی دولت اعلان کرد که بعد از این باید در تمام ایالات و ولایات با این اوزان معاملات بشود حتی بونه که نقود تقابلی در آن درست می کنند دولت آنرا باید بخورد کند و اشیائیکه برخلاف قوانین مملکتی است باید از بین برود.

حالا می در هر جا موارد تخلف از قانون را شما ایجاد می فرمایند؛ باید يك قدری مامحکم باشیم تا تخلف از قانون نشود چند سال ما باید صبر کنیم تا قانونی در کله ما وارد شود و مملکت ما قانونی بشود.

اگر ما می خواهیم روبرو نمیشیم و مملکت ما قانونی باشد باید راه تقاب را مسدود کنیم.

بنابر این وقتی که دولت این سنگ را تهیه کرد دیگر آن شخص سنگ را می خواهد چه کند که توی خانه اش نگاه دارد؟

اگر دولت سنگ رسمی را تهیه نکرد شما بگوئید که دولت تهیه نکرده است یا این مدت قانونی کافی نیست اما پس از آنکه دولت تمام مقیاسهای وزن و کیل و غیره را تهیه کرده است دیگر آن شخص سنگ را روی خانه اش برای چکار میخواهد؟ و غیر از اینکه اسباب قلب است هیچ قایده ندارد.

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای قائم مقام. آقایانی که

موافقت قیام فرمایند. (ماده برخوانند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهادها به کمیسیون مراجعه می شود - فعلاً چند دقیقه تنفس داده می شود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده ششم قرائت میشود. (شرح آتی خوانده شد)

ماده ششم - منتهی اختلافی که اوزان و مقیاسهای مستعمله بانو نه اوزان و مقیاسهای رسمی که در شصت اوزان و مقیاسها موجود است می توانند داشته باشند به قرار است که در جدول نمره (۳) تصریح گردیده و هر گاه معلوم شود که وزن یا مقیاس باندازه های قانونی زیاد یا کمتر از آنچه مقرر است اختلاف دارد در صورتیکه هم که دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته شده و مصادره خواهد شد.

ما میخواهیم مملکتان را در تحت انتظامات قانونی جریان بدهیم و در تحت يك قوانینی که از تصویب مجلس میگردد تمام آن چیزهایی که آثار دوره های قبل از تمدن است از بین برود و بعد از آنکه دولت دید که در مملکت وسایل اجرای آن قانون فراهم است آن را اعلان می نماید و در ایالات چهار ماه پس از نشر اعلان و در ایالات شش ماه پس از اعلان به موقع اجرا گذاشته می شود وقتی دولت اعلان کرد که بعد از این باید در تمام ایالات و ولایات با این اوزان معاملات بشود حتی بونه که نقود تقابلی در آن درست می کنند دولت آنرا باید بخورد کند و اشیائیکه برخلاف قوانین مملکتی است باید از بین برود.

حالا می در هر جا موارد تخلف از قانون را شما ایجاد می فرمایند؛ باید يك قدری مامحکم باشیم تا تخلف از قانون نشود چند سال ما باید صبر کنیم تا قانونی در کله ما وارد شود و مملکت ما قانونی بشود.

اگر ما می خواهیم روبرو نمیشیم و مملکت ما قانونی باشد باید راه تقاب را مسدود کنیم.

در آن‌ها پیدا شود از این جهت این ماه آن مقدر را معفو کرده است.
مثلاً در بانصدا معفو کرده است برای اینکه در نتیجه دو سال سه سال پانزده سال استعمال یک همچو تفاوتی پیدا می‌شود و اگر بیشتر از این نقصان پیدا کرد باید برود و وزنه دیگری بگیرد که آنقدر تفاوت نداشته باشد و تا یک مدتی باز استعمال کند ولی اگر از این حد تجاوز نکند نمیتوان از استعمال آن جلوگیری کرد و در جاهای که سیستم مطریک هست این اجازه‌ها داده شده است.
بنابراین این آقا تصور کردند که از اول اینطور میشود خیر از اول دولت یک وزنه تهیه خواهد کرد بدون کم و زیاد و آن وقت اگر در ضمن چندین سال استعمال زیاد و کمی در آن پیدا شد باین درجه منو است و اگر زیاد تر از این مقدار کسر شد آن وقت باید برود و تبدیل کند و اگر نکرد قلب است.

اول اینطور میشود خیر از اول دولت یک وزنه تهیه خواهد کرد بدون کم و زیاد و آن وقت اگر در ضمن چندین سال استعمال زیاد و کمی در آن پیدا شد باین درجه منو است و اگر زیاد تر از این مقدار کسر شد آن وقت باید برود و تبدیل کند و اگر نکرد قلب است.

(جمعی گفته مذاکرات کافی است)

اشگر - بنده پیشنهاد دارم رئیس - پیش نهاد آقای اشگر قرائت می‌شود.

(باین طریق خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده شش باین طرز اصلاح شود.

ماده شش - ملاحظه کسر و نقصان موازین سنگین و پیمایش در نظامنامه اجرا منظور خواهد شد.

اشگر - بنده این پیشنهاد را کردم برای اینکه بتوانم آقای مغیرت را بدم که خوب است توجه بفرمائید و اگر لازم میدانند این تغییرات را در قانون قید کنند والا اگر بنا باشد اوزان رسمی هم قلبی باشد و این عبارت را از این ماده حذف نکنند این یک چیز فریبی خواهد شد.

رئیس - رای میکنیم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای اشگر - آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(عهده برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد - سپس پیشنهاد آقای بهبهانی قرائت میشود.

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ششم پس از عبارت قلب شناخته شده اینطور اصلاح شود و وزنه قلب ضبط خواهد شد و هر گاه علامت قلبی ساخته شده باشد سازنده علامت تعقیب و بهجازات قانونی خواهد رسید.

آقا میرزا سید احمد بهبهانی - در این ماده نوشته شده است در صورتی هم که دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته شده و مصادره خواهد شد.

اولا لفظ مصادره یک لفظی است که

قابل تفکیک هر معنایی است - مصادره می‌شود - یعنی تعقیب میشود و ممکن است تعقیب هم با آن معنای سابق که قلب شناخته میشود بشود - یعنی اوزان و مقیاسهای قانونی برسانند و ممکن است معنای مصادره این باشد که ضبط شود یا یک معنای دیگری که ممکن است از لفظ مصادره حاصل شود. لهذا من از آقای مغیرت سؤال کردم که مراد از مصادره چیست ایشان گفتند مصادره میشود یعنی ضبط میشود و بنده دیدم هیچ عیبی ندارد که لفظ مصادره را تبدیل به ضبط کنیم تا در موقع عمل در سر معنی معلل نمایم.

بعلاوه در این ماده مینویسد در صورتیکه دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته شود - این علامت رسمی چاروی سنگ آمده است یا اشتباه شده یا اینکه قلب شده و این ماده هیچ تعرضی نسبت بآن قسمت ننموده که در صورتی که قلبی ساخته شده باشد چه باید کرد.

لذا بنده پیشنهاد کردم در صورتیکه آن علامت قلبی شناخته شده باشد عامل آنهم مجازات خواهد شد.

مغیر - مسئله علامت رسمی برای آقایان نویسد و تقاضای کرده و کم کم دارد زیادتر هم میشود.

اولا هیچ منافاتی ندارد که علامت رسمی روی یک چندی بزنند آنوقت اگر یک نفر بخواهد قلب کند ممکن است یک قسمت از آن آهن یا چدن را کم نماید باین جهت در اینجا پیش بینی شده که اگر بیش از این مقدار کم باشد باید آن را مصادره کرد و نمیشود گفت چون علامت دارد قلبی نیست زیرا ممکن است این سنگ را یک آهنگری بدیده و مقداری از آن کم کند بدون آنکه تغییری هم در علامت پیدا شود.

در هر حال در این قسمت که هوادش مؤثر است حرفی نیست و اگر یک کسی یک سنگی داشته باشد که علامت رسمی هم داشته باشد ولی وزن آن کمتر از آن حدی باشد که در قانون نوشته شده خود صاحب دکان باید برود و وزنه اش را عوض کنند و اما راجع به مصادره خیلی مستعمل شده است.

مصادره به معنی ضبط یا تعقیب است حالا اگر آقایان نمایندگان میل دارند هیچ مانعی نیست که کلمه ضبط نوشته شود.

رئیس - رای میکنیم به قابل توجه بودن این پیشنهاد - آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد - پیشنهاد آقای کازرونی

(اینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ششم

قابل تفکیک هر معنایی است - مصادره می‌شود - یعنی تعقیب میشود و ممکن است تعقیب هم با آن معنای سابق که قلب شناخته میشود بشود - یعنی اوزان و مقیاسهای قانونی برسانند و ممکن است معنای مصادره این باشد که ضبط شود یا یک معنای دیگری که ممکن است از لفظ مصادره حاصل شود.

لذا بنده پیشنهاد کردم در صورتیکه آن علامت قلبی شناخته شده باشد عامل آنهم مجازات خواهد شد.

اینطور نوشته شود - ماده ۶ شبه اوزان و مقیاسها که در مرکز ولایات تشکیل خواهد شد در رأس هر دو سال یک مرتبه اوزان و مقیاس های موجود نزد مردم را مقایسه و موازنه خواهد کرد و اگر تفاوتی بواسطه استعمال در آن ها معلوم شود منع و تجدید خواهد کرد

کازرونی - اوزان و مقیاسهایی که دارای علامت دولتی است بمردم می‌فرودد ممکن است بمرم صورت تغییر کند با منظور که آقای مغیرت فرمودند سائیده شود یا بواسطه کثرت استعمال به از مدتی مقداری از وزش کم شود و ما این را تجربه کرده ایم.

سنگ هایی که مدت زیادی استعمال شد بالطبع مقدار از وزن آن کسر میشود و در بعضی نقاط کعبه اطلاع دارم معمول است که هر دو یا سه یا چهار سال از طرف بلدی رسیدگی میکنند می بینند

اگر سنگ ها بواسطه کثرت استعمال تغییراتی پیدا کرده اند امر به تجدید آنها می کنند.

و این یک ترتیب معمولی و متداولی است ولی در این ماده یک عبارت ذکر شده که حقیقتاً خیلی آبدار است و ممکن است از آن سوء استفاده نمایند.

مثلا در اینجا مینویسد در صورتیکه دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته خواهد شد.

در ماده قبل هم ذکر شده که اگر یک کسی سنگ قلب داشته باشد بیک ماه محسوم میشود ولی اگر یک نفر یک سنگی داشت و قلب هم نکرده بود و بواسطه کثرت استعمال مقداری از وزن آن کسر شده.

اولا چرا باید آن سنگ را ضبط کنند باید آن سنگ مال صاحبش باشد منتهی دیگر با آن کار نکنند.

بنابر این بنده همچو تصور میکنم که این ماده یک طوری نوشته شده است که آن مقصودی را که آقای مغیرت دارند نمی رساند.

حالا اگر آن سنگ قلبی شناخته شد آیا آن معامله را که با متقلب میکنند با صاحب آن سنگ هم خواهند کرد.

یعنی اوزان یک ماه محسوم میکنند یا نه؟ و اگر حقیقتاً قلب نکرده باشد باید با او مثل معامله که با متقلب میکنند بکنند یا خیر؟

و دیگر اینکه چرا باید مصادره و ضبط شود لهذا بنده این پیشنهاد را کردم و اصراری هم ندارم که عبارت همینطور نوشته شود.

منتها عرض اینست که این معانی که عرض کردم در آنجا قید شود دیگر بسته بنظر آقایان است.

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده است قرائت می شود (پیشنهاد آقای سلطان العلماء شرح

بودن این پیشنهاد - آقایانی که موافقت قیام فرمایند. (عهده قیام نمودند) رئیس - قابل توجه شد. ماده هفت قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد) ماده هفتم - برای اجرای این قانون و ترتیب تقشیش و رسیدگی و ساخت و استعمال اوزان و مقیاسهای جدید و جلوگیری از اوزان تقلبی وزارت فواید عامه نظامنامه مخصوصی ترتیب و پس از تصویب دولت بوضع اجرا گذارده میشود. رئیس - آقای هرمزی

هرمزی - عرضی ندارم رئیس - آقای اشگر اشگر - در این ماده نوشته شده است وزارت فواید عامه نظامنامه مخصوصی ترتیب داده پس از تصویب دولت بوضع اجرا گذاشته می شود. و دیگر نوشته است که توسط کدامیک از دوایر مربوطه اجرا میشود و بعلاوه اینجا راجع بترتیب تقشیش و رسیدگی و ساخت و استعمال اوزان گفته میشود که یک نظامنامه مخصوصی وزارت فواید عامه ترتیب خواهد داد پس از تصویب دولت بوضع اجرا گذاشته می شود.

ممكن است آن نظامنامه که وزارت فواید عامه تدوین میکند اساساً ماهیت این قانون را تغییر بدهد و بنده تصور میکنم که اگر آن نظامنامه که کمیسیون قواین مالیه بیاورد و از تصویب آن کمیسیون بگذرد چه بهتر خواهد بود برای اینکه نمایندگان مجلس هم از آن اطلاعی داشته باشند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده گمان نمی‌کردم که آقای اشگر با مطلع بودن از وضع مملکت مشروطه این فرمایشات را بفرمایند برای اینکه مجلس یک قانونی وضع میکنند و دولت مشروطه باید آن قانون را اجرا کند.

بنابر این تدوین نظامنامه از برای اجرای قانون کار مجلس نیست و مجلس نباید داخل در اجرائیات شود.

سکدام وزارتخانه میتواند نظامنامه برخلاف مواد قانون بنویسد آن نقض قانون است نظامنامه نیست پس تدوین نظامنامه از وظایف مجلس نیست و مجلس نمیتواند داخل در اجرائیات شود حالا اگر یک وکیل یا تخلف از قانونی مشاهده کرد حق دارد که سؤال و استیضاح کند جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده است قرائت می شود (پیشنهاد آقای سلطان العلماء شرح

ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم - به از نظامنامه مخصوصی تدوین نوشته شده باید بتصویب کمیسیون برسد. رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه) سلطان العلماء - برپروز بنده یک پیشنهادی کردم و آقای آقا سید یعقوب یک فرمایشی کردند که بنده ناچار شدم یک قدری صحبت کنم و هر چه فکر کردم غیر از این موضوع جایی برایش پیدا نکردم

ایشان فرمودند که شاهی خواجه ناشانی میکنید - می می‌بخشید. بنده عرض میکنم این قانون برای رفاهیت عامه وضع می‌شود نه برای مالیات و بنده معتقدم که در این قانون باید نوشته شود که سنگهایی که تهیه میکنند بجهت ببرد باید بفرودند یا اگر مردم تهیه کردند دولت آن حق را که میخواهد معین کند چه مقدار حق معین میشود.

این مسئله را نمیشود به نظامنامه واگذار کرد زیرا نظامنامه را دولت بعبیل خودش نمیتواند آنوقت یک بیچاره لبر فروش که میخواهد لبر بفرودد در صورتی که یک تومان سرمایه دارد باید پنج تومان پول سنگ بدهد.

این است که بنده در این موضوع یک پیشنهادی کردم بطور ماده الحاقیه که آقای رئیس آن پیشنهاد را هر طور میدانند بفرمایند قرائت شود و الاخره اگر نظامنامه دارای این جهت هم باشد باز بنده عقیده دارم رجوع بکمیسیون قواین مالیه بشود که یک دقتی در آن بشود و مخصوصاً این نکته را در نظر بگیرند.

رئیس - رای میکنیم. سلطان العلماء - بنده استرداد میکنم. رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی قرائت می‌شود. (بشرح آتی قرائت شد) این بنده پیش نهادی نمایم که پس از لفظ (مخصوصی) نوشته شود که مخالف قوانین رسمی مملکتی نباشد رئیس - بفرمائید

آقا شیخ محمدعلی طهرانی - اگر چه این عبارتی که بنده پیش نهاد کردم طبیعی است ولی متأسفانه غالب نظامنامه‌هایی که معمول شده است برخلاف قانون وضع شده مثلا نظامنامه قانون تجدید تریاک اگر آقایان اطلاع داشته باشند در تمام ایران بدون ملاحظه قوانین یا بدون ملاحظه قوانین اصول معاکسات جزائی بدون جهت مفتش شب میرود در خانه مردم و اسباب زحمت مردم را فراهم میکنند چرا؟

ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم - به از نظامنامه مخصوصی تدوین نوشته شده باید بتصویب کمیسیون برسد. رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه) سلطان العلماء - برپروز بنده یک پیشنهادی کردم و آقای آقا سید یعقوب یک فرمایشی کردند که بنده ناچار شدم یک قدری صحبت کنم و هر چه فکر کردم غیر از این موضوع جایی برایش پیدا نکردم

ایشان فرمودند که شاهی خواجه ناشانی میکنید - می می‌بخشید. بنده عرض میکنم این قانون برای رفاهیت عامه وضع می‌شود نه برای مالیات و بنده معتقدم که در این قانون باید نوشته شود که سنگهایی که تهیه میکنند بجهت ببرد باید بفرودند یا اگر مردم تهیه کردند دولت آن حق را که میخواهد معین کند چه مقدار حق معین میشود.

این مسئله را نمیشود به نظامنامه واگذار کرد زیرا نظامنامه را دولت بعبیل خودش نمیتواند آنوقت یک بیچاره لبر فروش که میخواهد لبر بفرودد در صورتی که یک تومان سرمایه دارد باید پنج تومان پول سنگ بدهد.

این است که بنده در این موضوع یک پیشنهادی کردم بطور ماده الحاقیه که آقای رئیس آن پیشنهاد را هر طور میدانند بفرمایند قرائت شود و الاخره اگر نظامنامه دارای این جهت هم باشد باز بنده عقیده دارم رجوع بکمیسیون قواین مالیه بشود که یک دقتی در آن بشود و مخصوصاً این نکته را در نظر بگیرند.

رئیس - رای میکنیم. سلطان العلماء - بنده استرداد میکنم. رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی قرائت می‌شود. (بشرح آتی قرائت شد) این بنده پیش نهادی نمایم که پس از لفظ (مخصوصی) نوشته شود که مخالف قوانین رسمی مملکتی نباشد رئیس - بفرمائید

آقا شیخ محمدعلی طهرانی - اگر چه این عبارتی که بنده پیش نهاد کردم طبیعی است ولی متأسفانه غالب نظامنامه‌هایی که معمول شده است برخلاف قانون وضع شده مثلا نظامنامه قانون تجدید تریاک اگر آقایان اطلاع داشته باشند در تمام ایران بدون ملاحظه قوانین یا بدون ملاحظه قوانین اصول معاکسات جزائی بدون جهت مفتش شب میرود در خانه مردم و اسباب زحمت مردم را فراهم میکنند چرا؟

ایشان فرمودند که شاهی خواجه ناشانی میکنید - می می‌بخشید. بنده عرض میکنم این قانون برای رفاهیت عامه وضع می‌شود نه برای مالیات و بنده معتقدم که در این قانون باید نوشته شود که سنگهایی که تهیه میکنند بجهت ببرد باید بفرودند یا اگر مردم تهیه کردند دولت آن حق را که میخواهد معین کند چه مقدار حق معین میشود.

این مسئله را نمیشود به نظامنامه واگذار کرد زیرا نظامنامه را دولت بعبیل خودش نمیتواند آنوقت یک بیچاره لبر فروش که میخواهد لبر بفرودد در صورتی که یک تومان سرمایه دارد باید پنج تومان پول سنگ بدهد.

این است که بنده در این موضوع یک پیشنهادی کردم بطور ماده الحاقیه که آقای رئیس آن پیشنهاد را هر طور میدانند بفرمایند قرائت شود و الاخره اگر نظامنامه دارای این جهت هم باشد باز بنده عقیده دارم رجوع بکمیسیون قواین مالیه بشود که یک دقتی در آن بشود و مخصوصاً این نکته را در نظر بگیرند.

رئیس - رای میکنیم. سلطان العلماء - بنده استرداد میکنم. رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی قرائت می‌شود. (بشرح آتی قرائت شد) این بنده پیش نهادی نمایم که پس از لفظ (مخصوصی) نوشته شود که مخالف قوانین رسمی مملکتی نباشد رئیس - بفرمائید

آقا شیخ محمدعلی طهرانی - اگر چه این عبارتی که بنده پیش نهاد کردم طبیعی است ولی متأسفانه غالب نظامنامه‌هایی که معمول شده است برخلاف قانون وضع شده مثلا نظامنامه قانون تجدید تریاک اگر آقایان اطلاع داشته باشند در تمام ایران بدون ملاحظه قوانین یا بدون ملاحظه قوانین اصول معاکسات جزائی بدون جهت مفتش شب میرود در خانه مردم و اسباب زحمت مردم را فراهم میکنند چرا؟

ایشان فرمودند که شاهی خواجه ناشانی میکنید - می می‌بخشید. بنده عرض میکنم این قانون برای رفاهیت عامه وضع می‌شود نه برای مالیات و بنده معتقدم که در این قانون باید نوشته شود که سنگهایی که تهیه میکنند بجهت ببرد باید بفرودند یا اگر مردم تهیه کردند دولت آن حق را که میخواهد معین کند چه مقدار حق معین میشود.

این مسئله را نمیشود به نظامنامه واگذار کرد زیرا نظامنامه را دولت بعبیل خودش نمیتواند آنوقت یک بیچاره لبر فروش که میخواهد لبر بفرودد در صورتی که یک تومان سرمایه دارد باید پنج تومان پول سنگ بدهد.

این است که بنده در این موضوع یک پیشنهادی کردم بطور ماده الحاقیه که آقای رئیس آن پیشنهاد را هر طور میدانند بفرمایند قرائت شود و الاخره اگر نظامنامه دارای این جهت هم باشد باز بنده عقیده دارم رجوع بکمیسیون قواین مالیه بشود که یک دقتی در آن بشود و مخصوصاً این نکته را در نظر بگیرند.

برای اینکه میگوید نظامنامه ماین است. حتی امروز یک عملیات نامشروعی که در مالیه می بینید و سوال میکنید بگویند نظامنامه ماین است شامی بخواهد حق وضع نظامنامه را بدیده بیک وزارت خانه حالا یک جماعتی آمدند و نوشتند مفتشین حق دارند وارد خانه مردم شوند یا عملیات نامشروعی که قانون اصول معاکسات حقوقی و جزائی آنها را منع کرده است و مضر به حال جامعه است کردند. چه خواهد شد؟ بنابراین این عبارت ولو اینکه معنای آن در خود قانون هست و هیچ کس حق ندارد یک ماده قانونی به اسم نظامنامه برخلاف قوانین مملکتی وضع کند ولی وقتیکه این عبارت مصرح باشد مدعی العموم میتواند آن شخص را که عملیاتی برخلاف قوانین مملکتی نموده تعقیب کند.

لیکن در صورتیکه این عبارت صریح نوشته نشده باشد آن وقت ممکن است یک نظامنامه‌هایی برخلاف قوانین نوشته شود چنانچه دیده‌ایم نظامنامه‌های غالب وزارت خانها بواسطه عدم اطلاع از کلیه قوانین مملکتی بکمبودی را وضع میکنند که مضر به حال جامعه و مخالف قوانین است

رئیس - آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عهده قلبی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه شد

پیش نهاد آقای صدرالاسلام (بمضمون آتی قرائت شد) بنده پیش نهاد میکنم که ماده هفت به اینطور اصلاح شود

برای اجرای این قانون و ترتیب ساخت و استعمال اوزان و مقیاسهای جدید و جلوگیری از اوزان تقلبی وزارت الی آخر رئیس - بفرمائید

صدرالاسلام - نظر به اینکه رعایت یک نکته ادبی در این جا شده باشد بنده این پیش نهاد را کردم چون اجرای قانون اولاً ساخت و استعمال اوزان و بهد طرز تقشیش و رسیدگی بسنگهای ساختگی خواهد بود نه اینکه اول تقشیش بشود و بعد ساخته شود.

بنده برای تقدیم و تاخیر این عبارت را پیش نهاد کردم. رئیس - آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عهده قلبی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد.

رای گرفته می‌شود باینکه آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - ماده هشتم (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده برای تقدیم و تاخیر این عبارت را پیش نهاد کردم. رئیس - آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عهده قلبی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد.

رای گرفته می‌شود باینکه آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - ماده هشتم (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده برای تقدیم و تاخیر این عبارت را پیش نهاد کردم. رئیس - آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عهده قلبی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد.

رای گرفته می‌شود باینکه آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - ماده هشتم (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده برای تقدیم و تاخیر این عبارت را پیش نهاد کردم. رئیس - آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عهده قلبی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد.

رای گرفته می‌شود باینکه آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - ماده هشتم (بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۸ همین که در نقطه از مملکت و سایر اجرای این قانون بقدر کفایت از طرف دولت فراهم شد بلدی محل آن را اعلان و چهار ماه بعد از نشر اعلان در ولایات و شش ماه در ایالات کلاماً بوضع اجرا گذارده خواهد شد

رئیس - آقای هرمزی (اجازه) هرمزی - عرضی ندارم رئیس - آقای اشگر - (اجازه) اشگر - در اینجا نوشته میشود که بعد از نشر اعلان چهار ماه در ولایات و شش ماه در ایالات کلاماً بوضع اجرا گذارده خواهد شد.

اساساً ایالات تشکیل میشود از ولایات و این ترتیبی که در اینجا نوشته شده است که چهار ماه بعد از نشر اعلان در ولایات و شش ماه در ایالات مفهومی ندارد.

اگر همانطور نوشته شود که شش ماه بعد از نشر اعلان در ولایات به عقیده بنده کافی خواهد بود.

فرض میکنم خراسان مرکز چند ولایت است پس از اینکه قابل شدیم شش ماه در ولایات اعلان شود اشکالی پیش نیاید و لازم هم نیست دو ماه فرق بگذاریم بین ایالات و ولایات.

برای اینکه هر وقت این قانون رسید بولایات و منتشرش کردند و شش ماه گذشته بود آنوقت آنرا اجرا میکنند.

حالا آن ولایت مشهد باشد یا قوچان باشد یا زراشیر و یک پیش نهادی هم کرده‌ام که شش ماه بعد از نشر اعلان در ولایات.

رئیس - آقای اعتبارالدوله پیش نهاد کرده‌اند جلسه ختم شود بعضی از نمایندگان - صبح است.

بعضی دیگر - خیر رای بگیرند رئیس - رای میکنیم

آقایانی که این پیش نهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند (عهده قلبی قیام نمودند) رئیس - تصویب نشد

آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده راجع به فرمایش آقای اشگر تعجب کردم.

چون مملکت ایران حکومت نشین - هائی دارد که منقسم بایالات و ولایات است و معین شده است چهار ایالت و مابقی هم ولایات است.

حالا بعد از اینکه دولت این سنگ را تهیه کرد اوزان را تهیه کرد در ایالات که عبارت از فارس و آذربایجان و کرمان و خراسان باشد شش ماه و در غیر این چهار ایالت جاهائی که با اسم ولایت خوانده می-

شود چهار ماه قانون را اجرا میکنند و اشکالی هم ندارد که میفرمایند چون ایالات مشتعل بر ولایات لازم نیست دیگر این در تمام قوانین ما هم هست و در همه جا ایالات مشتعل بر ولایات است پس این یک چیزی نیست که محل ایراد باشد

رئیس - آقای دست غیب (اجازه) دست غیب - بنده همانطور که آقای اشگر فرمودند و آقای آقا سید یعقوب تعجب فرمودند بانجیب ایشان عرض می‌کنم که جواب - معنی آقای اشگر ندادند.

فرض این است زحمتی برای مردم و بهانه‌ای برای مفتشین پیدا نشود که مردم دچار زحمت و خسارت زیادی بشوند.

اینجا قانون نوشته است بعد از نشر اعلان چهار ماه.

خیلی خوب آقایان درست التفات بفرمایند. وقتی که این قانون از مجلس بگذرد اعلان هم بکنند در تمام ایالات و ولایات ایران و بهدست و هر تاجر و کاسب و دکاندار داده شود چقدر اسباب زحمت است فهم این قانون برای اینکه در عرض و وجه الی آخر.

مدتی زحمت دارد تا اینکه چیزی که مدتها مر کوز ذهنش بوده و ملکه اش بوده بر گرداند و این چیز تازه را استعمال کند.

حالا البته آقایان در جواب میفرمایند که مملکت باید قانون داشته باشد.

مملکت باید ترقی کند، مملکت باید بی بهانه ارجح باشد.

این فرمایشات در موقع خودش درست است ولی ما میخواهیم یک قانونی وضع کنیم بفرمایش بعضی از آقایان که اسباب راحت مردم را فراهم کنیم نه اینکه اسباب زحمت و خسارتی فراهم کنیم.

وقتی که این لایحه بگذرد اجرای آن اساساً خیلی مشکل است بلکه محال است حالا بنده این را کار ندارم برای اینکه خوب لایحه‌ای است. باید بکنند. اوزان باید یکی شود. مقیاسها باید یکی بشود. مملکت هم باید ترقی کند. چه شود الی آخر ولیکن ماعرض میکنم یک چیزی که مر کوز ذهن هر فردی از افراد شده بعد از چهار ماه خیلی مشکل است تغییر کند لاقلاً شش ماه باشد تا عملی شود. گفتگو سر عمل است نه اینکه مملکت قانون نیبخواهد.

همه متفقند که قانون برای مملکت لازم باشد.

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه) وکیل الملک - بنده در این جا اشکالی بنظرم نمی‌رسد پس برای اینکه

شود چهار ماه قانون را اجرا میکنند و اشکالی هم ندارد که میفرمایند چون ایالات مشتعل بر ولایات لازم نیست دیگر این در تمام قوانین ما هم هست و در همه جا ایالات مشتعل بر ولایات است پس این یک چیزی نیست که محل ایراد باشد

رئیس - آقای دست غیب (اجازه) دست غیب - بنده همانطور که آقای اشگر فرمودند و آقای آقا سید یعقوب تعجب فرمودند بانجیب ایشان عرض می‌کنم که جواب - معنی آقای اشگر ندادند.

فرض این است زحمتی برای مردم و بهانه‌ای برای مفتشین پیدا نشود که مردم دچار زحمت و خسارت زیادی بشوند.

اینجا قانون نوشته است بعد از نشر اعلان چهار ماه.

خیلی خوب آقایان درست التفات بفرمایند. وقتی که این قانون از مجلس بگذرد اعلان هم بکنند در تمام ایالات و ولایات ایران و بهدست و هر تاجر و کاسب و دکاندار داده شود چقدر اسباب زحمت است فهم این قانون برای اینکه در عرض و وجه الی آخر.

مدتی زحمت دارد تا اینکه چیزی که مدتها مر کوز ذهنش بوده و ملکه اش بوده بر گرداند و این چیز تازه را استعمال کند.

حالا البته آقایان در جواب میفرمایند که مملکت باید قانون داشته باشد.

مملکت باید ترقی کند، مملکت باید بی بهانه ارجح باشد.

این فرمایشات در موقع خودش درست است ولی ما میخواهیم یک قانونی وضع کنیم بفرمایش بعضی از آقایان که اسباب راحت مردم را فراهم کنیم نه اینکه اسباب زحمت و خسارتی فراهم کنیم.

وقتی که این لایحه بگذرد اجرای آن اساساً خیلی مشکل است بلکه محال است حالا بنده این را کار ندارم برای اینکه خوب لایحه‌ای است. باید بکنند. اوزان باید یکی شود. مقیاسها باید یکی بشود. مملکت هم باید ترقی کند. چه شود الی آخر ولیکن ماعرض میکنم یک چیزی که مر کوز ذهن هر فردی از افراد شده بعد از چهار ماه خیلی مشکل است تغییر کند لاقلاً شش ماه باشد تا عملی شود. گفتگو سر عمل است نه اینکه مملکت قانون نیبخواهد.

همه متفقند که قانون برای مملکت لازم باشد.

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه) وکیل الملک - بنده در این جا اشکالی بنظرم نمی‌رسد پس برای اینکه

حق انتخاب شدن معلوم کنیم؟
اگر هم فرض بفرمایید نفوذی شود فقط از ناحیه وزراء است و اگر اینطور فرض شود پس ما چرا مقامات یائین ترا معلوم کنیم
پس با این دلایل فرمایشیکه آقای مخبر فرمودند حلا و نقضا غیر موجه است رئیس - آقای اخگر (اجازه)
اخگر - در قانون تصریح شده است که چند طبقه از مأمورین دولتی نمی‌بایستی انتخاب شوند و دلیل این معلومیت هم این است که هم از نفوذ متنفذین جلوگیری شود و هم در دوائر دولتی بجای اینکه مأمورین بکارهای خودشان برسند مشغول امور سیاسی نشوند
در اینجا هم نوشته شده است هر کس وزیر شد نباید انتخاب شود
اگر آدم خیلی خوبی است که همان وزیر باشد بهتر است و اگر خدای نکرده برعکس است چه لزومی دارد که وکیل شود؟ علاوه بر اینچاهم دیده‌اند که هر کس وزیر شد دیگر حق ندارد وکیل شود نوشته شده است:
در موقعیکه وزیر است نباید وکیل شود
ما باید انور برای همیشه وضع کنیم اگر بعضی از قایان نمایندگان نظر خوبی به آقایان وزراء عالی‌دارند این مربوط بقانون نیست
قانون باید برای همیشه باشد
اگر یکوقت مجلس تعطیل شد و انتخابات عقب افتاد و قترت شد و حالا اجازه دادیم که وزراء هم بتوانند انتخاب شوند آیا غیر از این است که همان وزراء انتخاب خواهند شد؟ بعضی از نمایندگان - بشوند چه ضرر دارد؟
اخگر - خیلی خوب بشوند، ملت وکیل لازم دارد و دولت وزیر و اگر این اشخاص خیلی خیلی لایق هستند برای وزارت بیشتر بدر میخورند اما این که فرمودند وزیر نمیتواند نفوذی داشته باشد خیلی مورد تعجب است البته وزیر در سراسر مملکت میتواند بسویله ادارات متبوعه خودش اعمال نفوذ کند و از هر جا که میل دارد انتخاب بشود
این دلیل نقضی که آقای طهرانی فرمودند که اگر بنا است از نفوذ متنفذین جلوگیری شود چرا از ملاکین و سائرین جلوگیری نمیشود
این دلیل نمیشود که وقتی ما میخواهیم از یک قیمت نفوذ نفوذ متنفذین جلوگیری کنیم بگوئیم چون از اعمال نفوذ سائرین جلوگیری نمیشود
از این قسمت هم نشود
ممکن است آقای پیشنهاد کنند از

نفوذ سایر متنفذین هم جلوگیری بشود. و اما اینکه فرمودند چرا مستخدمین امریه و نظایه باید از حق انتخاب کردن محروم باشند
البته این نکته را آقایان باید متوجه باشند که ادارت امریه و نظایه هم در رسیدن نظام موافق نظامیها هستند و همان صورت را دارند و اینها بایستی از سیاست مجزا باشند زیرا اگر بشود ادارت نظامی در سیاست مداخله کنند
اساساً وظایفشان از بین می‌رود و اسباب اشکال میشود
مستخدمین که در ادارات نظامی هستند اعم از قشون بری یا بحری ویا امریه و نظایه تمام در تحت دیسیپلین نظام هست و بهمان دلیل نایستی در سیاست مداخله بکنند و اگر مداخله در سیاست بکنند اسباب اشکال میشود
و اما فرمودند روسای دوائر بیچاره ها چکار میتوانند بکنند و چه نفوذی میتوانند در محل بخرج بدهند و چه نفوذی میشود رئیس عدلیه یا مالیه و یا احکام نفوذ داشته باشند!!
البته از نقطه نظر احتیاجیکه مردم با ادارات دارند ممکن است در تحت نفوذ واقع شوند این چیز تازه نیست و الان چندین دوره از انتخابات میگذرد و کاملاً معلوم است که آیا رؤسای ادارات میتوانند اعمال نفوذ بکنند یا نه این یک چیز تازه نیست که مدارس شک و تردید پیدا کنیم علاوه بر رئیس یک اداره که از طرف دولت مأمور است که مأمور دولتی رسیدگی کند اگر اجازه داشته باشد در سیاست مداخله کند این طبیعی است که تمام نفوذ قدرتی را که دولت برای اعمال نظریات اداری باو داده است برای تنقید نظریات شخصیش اعمال خواهد کرد
یک رئیس نظایه فلان ولایت آیا نمی‌تواند مردم را مجبور کند که باو رأی بدهند؟
یابک رئیس مالیه که تمام این متنفذین که طرف وحشت آقای طهرانی شده‌اند و مجبورند مفاسد مالیاتی از او بگیرند و هزار جور خورده حساب دارند آیا ممکن نیست در تحت نفوذ او واقع شوند؟
خود آن متنفذین و کسانی که در تحت نفوذ آنها هستند آیا نمیشود آلت اعمال نظریات خصوصی رئیس مالیه واقع شوند
علاوه اگر ما حق انتخاب شدن باین اشخاص بدهیم آنوقت در یک محل ممکن است رئیس مالیه کارکنان و حاکم همه اینها بخواهند وکیل شوند و البته ملاحظه بفرمایید که آن نزاع و جدالهاییکه ما بین این کاندیداها واقع میشود نتیجه اش چه خواهد شد و بیخیزد غیر از خرابی مملکت و وادائر دولتی نتیجه دیگری خواهد

داشته؟
علاوه راجح بسایر مستخدمین اجازه داده شده که اگر انتخاب شده‌اند میتوانند شغل دولتی استعفا بدهند و وکیل شوند و اگر یک رئیس مالیه آدم صبیح و خوش کاری باشد از اول عرض کرد که در یک شهر مأمور نبوده در سایر شهرها هم بوده چه جهت دارد که ما بگوئیم و اجازه بدهیم که از همان شهری که مأموریت دارد وکیل بشود
البته اگر آدم خوبی است سابقاً هم خوب بوده است و در آن محل دیگری که کار خوب کرده او را انتخاب میکنند و آنوقت هم از کار دولتش استعفا میدهند و می‌آید وکیل میشود و هیچ اشکالی ندارد و اما اینکه آقای طهرانی فرمودند:
در تهران اگر نفوذی هم بشود قرض کرد فقط راجح بوزراء است و بسایر رؤسای ادارات دیگر نفوذ ندارند
البته این مسئله را باید تصدیق کرد که هر رئیس اداره بقدر قوه که دارد نفوذ دارد و قانون هم برای تمام مملکت نوشته میشود و فرضاً اگر یکی از این دلایل در یک شهری موجود نباشد در سایر شهرها موجود است و علاوه بر این نظامیها در غیر از محل مأموریت خودشان در صورتی که از شغل دولتیشان استعفا بدهند میتوانند انتخاب شوند و بنده دلیل برای مخالفت با این ماده نمی‌بینم
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
(بعضی گفتند: کافی نیست)
رئیس - آقایان که مذاکرات کافی میدانند قیام فرمایند
(غالب قیام نمودند)
رئیس - اکثریت است. پیشنهادها قرائت میشود.
(شرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال‌الدین در ماده ۱۳ قانون انتخابات مواد (۳) پیشنهاد می‌نمایم که بجای «در قلمرو مأموریت خود» نوشته شود «در تمام مملکت»
پیشنهاد آقای قائم مقام بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۳ در قلمرو پس از نقطه «بری و بحری» لفظ «هرانی» هم نوشته شود.
پیشنهاد میرزا جوادخان بنده پیشنهاد میکنم فقره سوم ماده ۱۳ باین ترتیب نوشته شود -
۳- حکام کل و جرحه معاونین آنها در قلمرو مأموریت خود
پیشنهاد آقای شیروانی بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۳ اضافه شود:
۴- اعضاء انجمن نظارت به پیشنهاد سلطان الملک

مقام منبع ریاست جلیله بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۳ اعضاء انجمن نظارت پیشنهاد سر کشیک زاده بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۳ بطریق ذیل نوشته شود:
ماده - کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محروم هستند،
(۱) وزراء و معاونین آنها در زمان انتخاب در کلیه مملکت
(۲) مدیران وزارتخانه ها و وادائر دولتی در حین تصدی
(۳) حکام کل و جرحه و معاونین آنها و رؤسای کلیه وادائر دولتی در قلمرو مأموریت خود الخ
پیشنهاد آقای حاج سیدالحمقین بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۳ بترتیب ذیل اصلاح شود.
کسانی که بواسطه شغل و مقام از انتخاب شدن محرومند
۱- اهل نظام بری و بحری مستخدمین دوم - حکام کل و جرحه معاونین آنها در قلمرو مأموریت خود
سوم - شاهزادگان بلاضلع الی آخر
پیشنهاد ساکنان بنده پیشنهاد میکنم فصل سوم پیاده واحد ذیل تبدیل شود
هر انتخاب کنند میتواند انتخاب شود بشرط این که سواد داشته باشد و کسرتراز بیست و پنج سال داشته باشد
پیشنهاد آقای عراقی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده سیزده نوشته شود انتخاب شونده باید لااقل دو سال در محل انتخاب بوده باشد عراقی
رئیس - ماده چهاردهم آقای باسانی (اجازه)
باسانی - برای تشکیل انجمنهای نظارت یک ترتیبی داده شده که بعقیده بنده بهتر از ترتیب سابق است
اینجا نوشته است در ولایات باختلاف ازسی تا صد نفر از معروفین و معتدین طبقات مختلفه را حکومت دعوت میکند و هیجده نفر از میان آنها برای مخفی انتخاب و هفده نفر از میان آنها برای معلن انتخاب میشود
ماده هشت منویس در مرکز هر حوزه انتخابیه مطابق صورتی که در جدول منضم باین قانون مین شده حکومت محل انجمنی باسم انجمن نظارت انتخابات موقتاً تشکیل میدهد
و اینهم هست بیل خود او است یک جائی هست که حکومتش نمیخواهد طرف حمله واقع شود و مراجعه میکند به مردم ولی یک جای دیگر هست که اهمیت نمیدهد و وقت نرزا خودش انتخاب میکند و ما اینجا خواستیم بگذردی جلوی نفوذ حکومت را بگیریم یعنی دیگر نتواند بیل خودش هفت نفر را انتخاب بکند و مأمور انتخابات بنامید و اگر بخواهد مراجعه میفرمودند زح این اشکالان میشد زیرا در آن مواد

نرزا خود عملاً انتخاب میکردند و در میان تجاریک نفر از میان سایر طبقات هم یک نفر انتخاب میشدند خیلی سهل و ساده بود و بهتر هم نتیجه مطلوبه بدست می‌آمد
ولی این ترتیب که ملادر فزین صد نفر دعوت میکنند در صورتیکه معلوم نیست که آیا این صد نفر طرف اعتماد عموم هستند یا نه و آنوقت از میان آنها هیجده نفر برای مخفی انتخاب کنند و تازه آیا اکثریت که پیدا میشود کافی باشد یا نباشد و چقدر مأمور بکشد این ماهیچ و ممکن است در همان دعوت اولیه دوماه معطل کنند و انتخابات را عقب بیندازند و علاوه آن ۹ نفر را که انتخاب میکنند باقره است و کورکور است و هیچ حالیش نیست و باین ترتیب اکثریت نظار از یک اشخاصی خواهد شد که طرف اعتماد عامه نیستند و اینهم چیز غریبی میشود و بعقیده بنده همان ترتیب سابق بهتر است یعنی تماماً سایر طبقات هر کدام یک نفر را انتخاب کنند و البته در این صورت همیشه سعی میکنند که اشخاص برجسته را انتخاب کنند و کسانی باشند که صلاحیت و امانتشان محرز باشد و طرف اعتماد عموم باشند این است که این ترتیب علاوه بر این که انتخابات را بتعویق خواهند انداخت در نتیجه این فقری که از میان هیجده نفر بقره انتخاب میشوند ممکن است یک اشخاص غیر صالحی باشند و همانطوریکه عرض کردم بعقیده بنده ترتیب سابق بهتر است و بنده با این ترتیب مخالفم
مخبر - نماینده معترض اگر این ماد را با ماده قانون پیش کاملاً مطالعه میفرمودند تصور میکنم کمتر اعتراض میفرمودند زیرا ممکن است یک وقت حکومت یک آدم خوبی باشد و نخواهد اعمال نفوذ بکند و علماء و ملاکین مراجعه کند ولی قانون سابق فقط اختیار داده است به حکومت که هفت نفر را انتخاب کند و اگر حاکم هفت نفر از نو گرهای شخصی خودش را مأمور میکرد که انتخابات را بجز این بیندازند این قانون مانع نبود
ماده هشت منویس در مرکز هر حوزه انتخابیه مطابق صورتی که در جدول منضم باین قانون مین شده حکومت محل انجمنی باسم انجمن نظارت انتخابات موقتاً تشکیل میدهد
و اینهم هست بیل خود او است یک جائی هست که حکومتش نمیخواهد طرف حمله واقع شود و مراجعه میکند به مردم ولی یک جای دیگر هست که اهمیت نمیدهد و وقت نرزا خودش انتخاب میکند و ما اینجا خواستیم بگذردی جلوی نفوذ حکومت را بگیریم یعنی دیگر نتواند بیل خودش هفت نفر را انتخاب بکند و مأمور انتخابات بنامید و اگر بخواهد مراجعه میفرمودند زح این اشکالان میشد زیرا در آن مواد

معین میکنند که این هیجده نفر مخصوصاً و منحصر از این صد نفر انتخاب نمیشوند از اشخاص خارج هم می‌توانند انتخاب کنند و دیگر اینکه می‌گوید اگر چند نفر استفاده کردند
آنوقت بقره از میان آن نه نفریکه باقی مانده انتخاب میکنند و کمسیون این طور تصور کرد که این راه عملی تر است و برای جلوگیری از نفوذ حکام هم این ترتیب بهتر است و حالا اگر طرز دیگری بنظر آقا رسیده است پیشنهاد بفرمایند کمسیون قبول خواهد کرد
رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - بنده اصلاً نمی‌دانم آقایان از روی چه ماخذ این ماده را نوشته‌اند در کجای دنیا سابقه داشته است که انجمن نظار اینطور انتخاب شود؟
برای اینکه ما بالاخره حکومت مشروطه‌مان را از جاهای دیگر تقلید کردیم و البته باید قوانین آنها را هم در نظر بگیریم و ببینیم انتخابات آنها را کی انجام میدهند و البته در ماده قبل هم اگر فرصت بنده رسیده بود در قسمت جلوگیری از نفوذ مأمورین دولت را بعضی عرض میکردم و معتقدم که باید بیشتر از این آنها را مقید و محصور کرد
مخبر - نماینده معترض اگر این ماد را با ماده قانون پیش کاملاً مطالعه میفرمودند تصور میکنم کمتر اعتراض میفرمودند زیرا ممکن است یک وقت حکومت یک آدم خوبی باشد و نخواهد اعمال نفوذ بکند و علماء و ملاکین مراجعه کند ولی قانون سابق فقط اختیار داده است به حکومت که هفت نفر را انتخاب کند و اگر حاکم هفت نفر از نو گرهای شخصی خودش را مأمور میکرد که انتخابات را بجز این بیندازند این قانون مانع نبود
ماده هشت منویس در مرکز هر حوزه انتخابیه مطابق صورتی که در جدول منضم باین قانون مین شده حکومت محل انجمنی باسم انجمن نظارت انتخابات موقتاً تشکیل میدهد
و اینهم هست بیل خود او است یک جائی هست که حکومتش نمیخواهد طرف حمله واقع شود و مراجعه میکند به مردم ولی یک جای دیگر هست که اهمیت نمیدهد و وقت نرزا خودش انتخاب میکند و ما اینجا خواستیم بگذردی جلوی نفوذ حکومت را بگیریم یعنی دیگر نتواند بیل خودش هفت نفر را انتخاب بکند و مأمور انتخابات بنامید و اگر بخواهد مراجعه میفرمودند زح این اشکالان میشد زیرا در آن مواد

میکند آنوقت اگر هم یک عده حاضر نشدند دو نالت آن عده یعنی بیست نفر که حاضر شدند کافی است و آن بیست نفر هیجده نفر را خودشان انتخاب میکنند و بدهم از هیجده نفر نه نفر را بقره انتخاب می‌کنند
بنده نمیدانم فلسفه اینکار چه بوده که اینطور قراردادمانند و علاوه با این ترتیب انجمن نظار چه صورتی پیدا خواهد کرد
بنده اینطور بنظر می‌آید که این مواد از موافقتی است و باید نظریات دولت را هم شرکت داد و مجلس و دولت باهم تامل نظر نمایند و از این نقطه نظر است که بنده معتقدم که باید نماینده دولت را هم روزهای پنجشنبه دعوت نمود و مخصوصاً راجح باین مواد که مربوط بدولت نمایند دولت نظریات خودش را اظهار نماید
اگر چه این قانون شور اول است ولی باید دقت کنند و قوانین سایر جاهاراهم ملاحظه کنند و ببینند چه ترتیب است و همان طور رفتار کنند
علاوه بنده خودم در این باب دادام ترجمه هائی بکنند ولی هنوز در هیچ جا ندیده‌ام که این ترتیب انجمن نظار انتخاب شوند
مخبر - اینکه فرمودند نماینده دولت هم باید در این قانون نظر داشته باشد صحیح است و عرض میکنم که آقایان احمد خان از طرف وزارت داخله مأمورین کار شده است و نظریات خودش را هم اظهار کرده است
و حتی راجح بجدول ما اطلاعات وزارت داخله را ماخذ قراردادمانند که با اطلاعات و نظریات آقایان ضمیمه نمائیم و اینکه میفرمایند باید مراجعه کرد بقوانین سایر ممالک عرض میکنم که ما همین های سایر ممالک منظم تر است و ما تازه به کار افتاده‌ایم
در قانون سابق نوشته بودیم سه نفر از اعضاء انجمن ولایتی و چهار نفر در طبقات مختلفه
ولی چون دیدیم انجمنهای ایالتی کمتر تشکیل میشوند و فقط همان دوره اول مشروطیت این انجمنها تشکیل شد و بعد از نظرها محوشد و قانون آنها در طاقچه‌ها ماند
باضافه یک احصائیه نفوس صحیحی هم که در این مملکت نیست که بدهی را مباشرتاً بکنار کنیم
این بود که این ترتیب قراردادیم و بیشتر نظریه کمسیون این بوده است که جلوگیری از نفوذ حکومتها بشود و نتوانند همان نظری در امر انتخابات بنمایند
و البته اینکه در چه شهری سونفر باید باشد و در چه شهری صد نفر باشد و در حکومت است و باید او معین کند و ما هم

بیشتر از این نتوانستیم محدود کنیم و البته اگر آقایان بک طریق عالیتری بنظرشان میرسد که بیشتر از این محدود میکنند آنها را پیشنهاد کنند کمسیون هم با کمال امتنان میپذیرد
رئیس - آقای ضیاء الواعظین - فعلاً عرضی ندارم
رئیس - آقای دست غیب - بنده در خاطر دارم که در دوره چهارم علت اینکه قرار شد تجدید نظر در قانون انتخابات بشود دو چیز بود
یکی اینکه بعضی نواقص داشت که آنها را میخواستند اصلاح کنند و از جمله چیزی که فوق العاده محل توجه و نظر آقایان بود همین مسئله جلوگیری از اعمال نفوذ هائی که ممکن است در امر انتخابات بشود بود
و همان شکایاتی که در دوره چهارم از اعمال نفوذها در انتخابات میرسد آقایان را وادار کرد اینکه تجدید نظر در قانون انتخابات بکنند
حلت دیگر مسئله باوع جریان انتخابات بود که خواستند یک ترتیبی بکنند که فترت و طفره هائی مابین مجلس و واقع نشود
ولی در این ماده بخصوص عکس العمل است و مخالف با آن نظریه سرمت جریان انتخابات است و بنده در ماده قبل که حالا مطرح نیست از باب نظیر و مثال عرض میکنم در آنجا قدری جلوگیری از اعمال نفوذها شد و بنده هم در قسمت وزارتین مخالف بودم و در سایر قسمتهاش موافق بودم ولی در این ماده مخالفم و غیره می‌دانم
برای خاطر اینکه این ماده بطوره جریان انتخابات و تأیید میکند
زیرا در این ماده چهارده میگوید در مراکز حوزه انتخابیه مطابق جدولی که منضم باین قانون است حکومت برای تعیین انجمن نظارت بتصامیت استعداده محل ازسی الی صد نفر از معروفین و معتدین طبقات مختلفه را که دارای شرایط انتخاب شدن باشند دعوت می‌نمایند (و باید دو نلتش که حاضر شد) معهود در همان مجلس دو مقابل عده‌ای که برای انجمن نظارت لازم است از بین خود یا اشخاص خارج در تحت نظر حاکم یا نماینده او برای مخفی انتخاب بنمایند
(حالا عبارتش هم مجلس نیست که چه چیز را انتخاب میکند آن یک موضوعی است ولی بنده در اصل مطلب عرض می‌کنم)
سپس منتخبین عده لازم را از بین

اجرا کرد.

زیرا اینجا ایران هست و اخلاقیات دارد و باید تمام کارهای مطابق با ترتیبات زندگانی باشد و باید یک قدری توجه با اخلاق ایرانی کرد اخلاق ایرانی مقتضی این است که اگر این ماده تصویب شد هر چائی که انتخاباتش یک ماه یا دو ماه طول می کشد.

شش الی هفت ماه بطول انجامد و آخرش هم بقیه بدهد که خودم ایرانی هستم و کاملاً با اخلاق ایرانی می بردم تازه تمام آراء راجع بکاندیدهای حاکم است و هر که را حاکم میباش بود است انتخاب شده است.

و بهین دلایلی که عرض کردم این ماده یک مهلتی برای حاکم ایجاد میکند که او کاملاً بتواند زمینه های برای کاندیدهای خودش درست کند.

اینست که بنده باین ماده مخالفم زیرا اسباب بنوع جریان کار میماند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (گفتند - بلی)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای طهران - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۴ بعد از کلمه از سی الی صد نفر بنحو ذیل اصلاح شود از مردمان معروف صالح و متمدین طبقات مختلفه را دعوت میکند.

پیشنهاد آقای یاسانی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۴ عبارت بمثل فرجه تبدیل شود برای مخفی.

پیشنهاد آقایان شیخ الرئیس و امیر حشمت - بنده پیشنهاد میکنم همه اعضاء انجمن نظار یازده نفر باشد.

ایشاً پیشنهاد آقایان شیخ الرئیس و امیر حشمت - پیش نهاد می کنم بعد از جمله دارای شرایط انتخاب شدن جمله ذیل علاوه شود:

از اهالی مرکز حوزه انتخابیه و مرکز حوزه های فرجه.

پیشنهاد آقایان کلزونی - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۴ اینطور اصلاح شود:

حکومت برای تعیین انجمن نظارت بوسیله اوراق اعلامیه که یک هفته پیش منتشر خواهد کرد اهالی را برای حضور در مجلس معینی دعوت خواهد کرد.

حاضرشدگان با حضور حکومت شش نفر از معارف طبقات مختلفه برای مخفی عدله لازم را انتخاب خواهد کرد.

پیشنهاد آقای شیخ جلال - در ماده ۱۴ قانون انتخابات اصلاح ذیل پیشنهاد می شود:

بجای جمله (بناسبت استعداد محل) نوشته شود: (به مناسبت عده نمایندگان

خود بمثل فرجه برای عضویت انجمن نظارت معین میباشند در انتخاب مزبور حضور دولت از مذکورین کافی خواهد بود) اینجا اولاً همانطور که عرض کردم از سی نفر الی صد نفر انتخاب میکنند دیگر معلوم نیست که اینها از متمدین معول و واجد شرایط انتخاب شدن هستند یا نه؟

مثلاً در شیراز یک وقت است که حاکم میخواهد هفت نفر را انتخاب کند.

یک وقت دیگر هست که صد نفر را انتخاب میکند و البته هفت نفر از متمدین محل آسان تر است تا انتخاب صد نفر.

بعلاوه وقتی حاکم صد نفر را انتخاب میکند اگر میل داشته باشد انتخاب را عقب بیندازد برای اینکه زمینه های برای کاندیدهای خودش تهیه کند همیشه به یک عده اشاره میکند که حاضر نشوند برای اینکه خودش مسئول نیست.

و هر وقت هم وزارت داخله تلگراف میکند که چرا انتخابات جریان پیدا نمیکند جواب میدهد که دولت حاضر نمیشوند و بهین ترتیب اینقدر انتخابات را بتعمیق می اندازد تا اینکه زمینه برای کاندیدهای خودش حاضر شود وقتی که زمینه حاضر شد بآن عده اشاره میکند که حاضر شوند و البته این مسئله اسباب بطول جریان انتخابات میشود.

بعلاوه اگر آقایان درست دقت بفرمایند وقتی که بنشاند صد نفر که شرایط انتخاب شدن را هم دارا باشند انتخاب شوند که از بین آنها هیئت نظار تشکیل شود.

نهار در هر محلی هم پنج نفر از آنها کاندید هستند و آنوقت یک دورا و نزارهای مابین این صد نفر و آن پنج نفر کاندید فرام می شود.

وقتی که انتخاب میشوند این صد نفر هم متصل تلگراف میکنند برای اینکه شرایط انتخاب شدن در شان جمع است.

یکی از آقایان پیشنهاد کرده بود که در این قانون ذکر شود که اعضاء انجمن نظارت حق انتخاب شدن را نداشته باشد و اگر این شرط نشود آسوقت وجود متمدین یعنی مردمانی که کاملاً طرف اعتماد عام هستند و شرایط انتخاب شدن هم در شان جمع است ناچار کشمکش هایی مابین آن صد نفر و آن پنج نفر فراهم میشود و اگر یک شرطی بر همان عبارت ماده فرجه علاوه کنند.

یعنی حاکم را مسئول قرار بدهند بهتر است.

بنده عقیده ام این است و آقایان را متوجه میکنم بر اینکه اینجا ایران هست و خصوصیات ممالک خارجه را آنطور که آقای شیروانی فرمودند در اینجا نمی شود

محل

پیشنهاد آقای محمدولی میرزا - بر حسب اعلان منتشر از طرف حکومت محل در مدت ده روز هر یک از طبقات مرکز انتخابیه که عبارت از علماء و ملاکین و تجار و اصناف باشند از هر طبقه پنج نفر را بین خودشان معین میدارند هیئت منتخبه از طرف حکومت محل دعوت میشود و نازیباً بطور جمعی یک هیئت هفت نفری از بین خود بترای مخفی برای عضویت انجمن معین میدارند.

رئیس - ماده پانزدهم. **آقای یاسانی** (اجازه)

یاسانی - آقایان محترم اعضاء کمیسیون توجهشان باین نبوده است که از نفوذهای نامشروعی جلوگیری کنند.

زیرا در اینجا نوشته شده است انجمن نظارت متصدی و مسئول صحت جریان انتخابات خواهد بود.

مسئولیت را کاملاً متوجه انجمن نظارت کرده اند ولی اعلان انتخابات و تعرفه دادن در روز شروع بترفعه دادن تمام آنها با حکومت است.

دوسیه را و صورت مجلس را بتأخیر انداختن و نماینده برزای حوزه های فرجه معین کردن و انتخابات را بتأخیر انداختن تمام اینها با حکومت است ولی مسئولیت با او نیست و با انجمن نظارت است.

بعقیده بنده میبایست در آنجا صریحاً یک مسئولیت هائی برای حاکم قید شود و نوشته شود حکام مسئول تأخیر و توقیف انتخابات و عدم مساعدت با انجمن نظار هستند اینقدر لاف باقی بدهند.

پیشنهاد آقایان در نظر میاورند بیشتر موجبات تأخیر و تعویق انتخابات حکام هستند و مردم هم برای انتخابات حاضرند فقط حکام یک حرف هائی میزنند و یک دلایلی می آورند و بالاخره انتخابات را بتأخیر میاندازند.

اگر حکام را مسئول قرار بدهند که همیشه دولت اعلان انتخابات را کرد فوراً هر جائی شروع با انتخابات کنند جریان انتخابات آینه هم مثل گذشته است انجمن نظارت ممکن است عملیات خود را انجام بدهد و بخواهد صورت مجلس بنویسد آنوقت ممکن است حکام یکگاه انجمن را در این باب معطل کنند یا برای فرستادن دوسیه انتخابات بمرکز ممکن است شش ماه معطل کنند و ممکن است انتخابات را توقیف کنند چنانکه در بعضی ایام حکام بعل خود انتخابات را توقیف کرده اند.

حالا نظایر آنرا نمی خواهم در اینجا عرض کنم و به آقایان تذکر بدهم خود آقایان متذکر هستند.

همینقدر خواستم گفته شود و آقایان محترم در نظر بگیرند که مسئولیت هائی در مجازات کبیله ۲۰۰

دوره پنجم

این ماده بادرعقب این ماده یک ماده نوشته شود که حکام چه مسئولیتی دارند و الا نوشتن اینکه مشول انجمن نظارت است بعقیده بنده کافی نیست.

زیرا بعقیده بنده اعضاء انجمن نظار مسئولیتی ندارند و حکام مسئولند چون اینها متصدی هستند و تمام قسمتهای بدوی انتخابات با حاکم است و باید این قبیل چیزها که لازم است در اینجا پیش بینی شود.

مخبر این یک ماده است که در قانون ما نوشته ایم و پیش بینی کرده ایم و اختیارات حکام را محدود و اختیارات هیئت نظار را زیادتر کرده ایم.

فقط اهل نفوذی که حکومت میتواند بکند در انتخابات اولیه است یعنی سی نفر الی صد نفر را که انجمن نظارت از میان آنها باید انتخاب بشود حاکم اختیار تام در انتخابات آنها دارد ولی در سایر قضایا حکومت تابع انجمن نظارت است و پس از اینکه انجمن نظارت معین شد کارها با انجمن است و انجمن های فرجه را هم انجمن با اطلاع حکومت تشکیل میدهد و در قانون سابق این جمله پیش بینی نشده بود ولی در این قانون پیش بینی شده که اگر بموجبی اعضاء انجمن نظار استفا دادند مجدداً حکومت در اختیار مداخله میکند و از بقیه اشخاصیکه انتخاب شده بودند بحکم فرجه بصورت انجمن نظارت معین میشوند.

پیش از این ما توافقیم پیش بینی کنیم حالا اگر مطالبی بنظر آقایان میرسد بنویسند بدهند بکمیسیون تا در آن نظری باشد.

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. ماده شانزدهم **آقای یاسانی** (اجازه)

یاسانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقای شیخ محمدعلی طهرانی - بنده میتوانم آن اعتراض را که در آن ماده داشتم در اینجا هم عرض کنم. اینجا مینویسد:

(انجمن نظارت پس از انتخاب بلافاصله در معنی که برای خود اختیار نموده جمع فرض بفرمایند اگر پنج دقیقه فاصله شد بموجب ماده اول مسئولند. مسئولیت معلوم نیست چه مسئولیتی است. مسئولیت اداری است. اخلاقی است. قضائی است که هیئت نظار را برتد در محکم و مجازات کبیله ۲۰۰

دوره پنجم

رئیس - آقا راجع باین ماده نیست **طهرانی** - این بلافاصله را معین کنند که انجمن نظارت پس از انتخابات بلافاصله در معنی که برای خود اختیار نموده جمع و در تحت ریاست من ترین اعضاء خود یک نفر رئیس و یک نفر نائب رئیس و بقدر لزوم منشی انتخاب خواهند کرد.

حالا اگر از اینجا حرکت کنند و بروند جای دیگر آیا مشول خواهند بود و بنده باین بلافاصله مخالفم.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده هم مخالفم **مخبر** - بلافاصله عرفی است و نمی توان بلافاصله تعقیبی را مدرك قرار داد و اگر این کلمه نبود ممکن بود بآن نظری است از آقای یاسانی فرمودند آن چند نفر برای عقب انداختن انتخابات امروز و فردا کنند یا عده منتظر الوكاله ها که انتخاب شده اند برای عضویت انجمن نظارت زمینه های برای خود تهیه کنند باین جهت است که اینطور نوشته شد.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

شیروانی - بنده عقیده دارم اشخاصیکه میخواهند بجز این قانون بگذرد مخالف با گذشتن این قانون برای اینکه وقتی عجله میکنند و این اور افکار را در تحت گفتن مذاکرات کافی است خفه میکنند.

مایبشهادت بنده هم بعقیده بنده باید مذاکرات در اطراف این قانون بشود تا کمیسیون هم از نظریه آقایان حابندگان مستحضر شوند.

نه این که فوراً بگویند مذاکرات کافی است این چیل عجیبی است! بالاخره بنده عقیده ام این است که قانون را باید یک قدری صریح نوشت و اینکه میفرمایند بلا فاصله عرفی است بنده عقیده ندارم برای اینکه مثلاً اگر میفرمایند بیست و چهار ساعت بعد از انتخاب این دیگر محل کلام نبود ولی در بلافاصله ممکن است خیلی تمییزات کرد.

بعلاوه اگر چنانچه بلافاصله نکرده اند چه میکنند؟ مایکجا از یک هیئتی که مسئولند صلب مسئولیت میکنند ولی یک اشخاص غیر مسؤول را قرار میدهند بطوریکه آقای طهرانی فرمودند آیا محکم آنها را جلیب مجازات میکنند؟

ولی وقتی اشخاص مسؤول را در این قضیه شرکت دهید اگر چنانچه بلا فاصله حاضر نشوند شما نمیتوانید اعتراض کنید به حاکم یا سایر مأمورین که چرا بلافاصله فلان کار را نکردیم ولی انجمن نظارت اگر چنانچه بلافاصله حاضر نشد کی حق دارد از

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره پنجم

آنها مؤاخفه کند؟ این است که بنده عقیده دارم این ماده باید اصلاح شود.

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - معنی است پیشنهاد کنند بدهند بکمیسیون (بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - ماده هفدهم میماند برای بعد از تنفس.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

معاون وزارت مالیه سه فقره لایحه است تقدیم میشود دو فقره آن عبارت است از یک برقرارهائی که بتصویب مجلس رسیده منتهی چون با قوانینیکه بعداً تصویب شده است یک اختلافی پیدا میکند برای اینکه تکمیل شده باشد اولی تهیه شده و تقدیم میشود یکی مربوط است بر حوم میرزا حسینخان نایب سرهنگ موزیک که درباره عیال او مبلغی برقرار شده است و بعد معلوم شده است که وراث دیگر هم دارد و برای اینکه تقسیم بتناسب قانونی شده باشد این است که تجدید نظر شده یکی مربوط است بر حوم مجدداً اشرف بعد از این که فوت کرده است مبلغی به موجب قانونیکه قبلاً برای وراث متوفیات وضع شده است برقرار شده است و بعد در تطبیق با قانون استخدام اختلاف پیدا کرده لهذا لایحه آنها هم تقدیم مجلس میشود.

یک فقره هم مربوط است بمسئول کامل مونیتر از بابت مستیری که در کنترات داشته است و بعد از انقضای مدت کنترات باو داده نشده برای پرداخت مستیری اولایحه تنظیم شده است و تقدیم میشود و اگر مقام محترم ریاست اجازه بفرمایند چون مدتی است طول کشیده و صاحبان آنها مطالبه میکنند سه فقره مطالب است که حاضر است بنده تقاضا کنم در دستور جلسه آتی بگذارد شود.

یکی راجع بلامیر مونیتر است یکی دیگر راجع بیکوین است و یکی دیگر هم مربوط است بوراث چهار نفر صاحب منصبان سوادنی که در خدمت دولت بوده اند.

رئیس - این لویح ارسال میشود بکمیسیون بودجه - ماده هفدهم قانون انتخابات

آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - عرضی ندارم **رئیس** - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - عرضی ندارم **رئیس** - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - عرضی ندارم **رئیس** - نسبت باده هفدهم کسی مخالف نیست؟ (گفتند خیر)

رئیس - ماده هیجدهم آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - در ماده هیجدهم نوشته شده است انجمنهای نظارت مرکزی مکلفند مطابق جدول منضم بقانون اقدام بتشکیل انجمن های فرجه نموده و متصدی و مسؤول انتخابات محل خود باشند سابقاً عرض کردم در غالب ولایات اینطور است اما اتفاقاً که چند حوزه حکومتی یا چند ولایات یک حوزه انتخابیه داشته اند در صورتیکه در عرض یکدیگر بگردند انجمن نظارت مرکزی در یکی از این ولایات است و اگر ما بخواهیم حوزه های انتخابیه این ولایات را با حوزه های انتخابیه قراء و بلوکات در عرض هم قرار دهیم تقریباً متناسب نیست مثلاً در ملایر یک انجمن مرکزی معین میشود که حکومت بنابر خود یک انجمن نظارتی معین میکند و آنوقت نتواند هم که یک حوزه حکومتی است انجمن نظارتش بعنوان انجمن فرعی تشکیل میشود

دستغیب - عرضی ندارم **رئیس** - نسبت باده هفدهم کسی مخالف نیست؟ (گفتند خیر)

رئیس - ماده هیجدهم آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - در ماده هیجدهم نوشته شده است انجمنهای نظارت مرکزی مکلفند مطابق جدول منضم بقانون اقدام بتشکیل انجمن های فرجه نموده و متصدی و مسؤول انتخابات محل خود باشند سابقاً عرض کردم در غالب ولایات اینطور است اما اتفاقاً که چند حوزه حکومتی یا چند ولایات یک حوزه انتخابیه داشته اند در صورتیکه در عرض یکدیگر بگردند انجمن نظارت مرکزی در یکی از این ولایات است و اگر ما بخواهیم حوزه های انتخابیه این ولایات را با حوزه های انتخابیه قراء و بلوکات در عرض هم قرار دهیم تقریباً متناسب نیست مثلاً در ملایر یک انجمن مرکزی معین میشود که حکومت بنابر خود یک انجمن نظارتی معین میکند و آنوقت نتواند هم که یک حوزه حکومتی است انجمن نظارتش بعنوان انجمن فرعی تشکیل میشود

در صورتیکه نباید برای شهر نتواند یک انجمن فرعی معین کرد و برای بلوکات اطراف هم انجمن فرعی معین نمود و باید انجمنهای فرجه نتواند تابع انجمن مرکزی شهر نتواند باشد

بنا بر این بعقیده بنده باید در اینجا باندازه ولایات دوباره ولایتی که در عرض هم هستند یک انجمنهای اصلی در نظر گرفت برای مرکز آن ولایات که انجمنهای اصلی انجمن های فرعی بلوکات اطراف خودش را انتخاب کند و مسئولیت انجمنهای فرجه با خود انجمن مرکزی آن ولایت باشد

البته از ما بین انجمنهای اصلی یکی انجمن مرکزی است چنانچه در جدول تشخیص میشود مثلاً در چهار انجمن اصلی تشکیل میشود و یکی از انجمن های اصلی میشود

انجمن مرکزی ولی سایر انجمنهای اصلی هم انجمن فرعی ولایت خودشان را انتخاب خواهند کرد و این ترتیب بهتر است

غالب ولایات اینطور است در ملایر اینطور است در گلبایگان و خوانسار اینطور است کوه و معلات اینطور است دماوند و فیروز کوه دو حوزه دارد خوار و رامین همینطور است و هر کدام حوزه های فرجه علیحده دارند آمل و تنکابن همینطور است سراب و گرم رود همینطور است خوی و ماکو و مرند همینطور است در جزو کلات و سرخس اینها سه ولایتند که سه حوزه انتخابیه را تشکیل میدهند و بنیاد

معاون وزارت داخله - چون صحبت از نماینده وزارت داخله میشود در موضوع تجدید نظر در قانون انتخابات برای تذکر عرض میکنم که نماینده وزارت داخله که در کمیسیون حاضر شده است برای توضیح دادن راجع به پروژه بندها بوده و تذکر تعدیل نظر راجع بقانون انتخابات اطلاعات راجع به حوزه بندها هم عبارت است از عده نفوس و ثوابت و بعد قاط و از این قبیل مسائل که مربوط به حوزه بندی است ولی در اصل این لایحه خواستم عرض کنم که وزارت داخله نظری نداشته است و هنوز هم داخل در تبادل نظر نشده است

مخبر - بدیهی است که این قانون در دوره پیش مطرح بود و بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تنظیم شده است و وزارت داخله این قانون را تنظیم نکرده است بلکه در کمیسیون دوره چهار تنظیم شده ولی یک نسخه از این قانون بتوسط آقا میرزا احمد خان مأمور وزارت داخله ارسال شد که اگر نظری دارند فرستند بکمیسیون و هنوز از طرف وزارت داخله نظری تقدیم

مخبر - بدیهی است که این قانون در دوره پیش مطرح بود و بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تنظیم شده است و وزارت داخله این قانون را تنظیم نکرده است بلکه در کمیسیون دوره چهار تنظیم شده ولی یک نسخه از این قانون بتوسط آقا میرزا احمد خان مأمور وزارت داخله ارسال شد که اگر نظری دارند فرستند بکمیسیون و هنوز از طرف وزارت داخله نظری تقدیم

مخبر - بدیهی است که این قانون در دوره پیش مطرح بود و بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تنظیم شده است و وزارت داخله این قانون را تنظیم نکرده است بلکه در کمیسیون دوره چهار تنظیم شده ولی یک نسخه از این قانون بتوسط آقا میرزا احمد خان مأمور وزارت داخله ارسال شد که اگر نظری دارند فرستند بکمیسیون و هنوز از طرف وزارت داخله نظری تقدیم

مخبر - بدیهی است که این قانون در دوره پیش مطرح بود و بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تنظیم شده است و وزارت داخله این قانون را تنظیم نکرده است بلکه در کمیسیون دوره چهار تنظیم شده ولی یک نسخه از این قانون بتوسط آقا میرزا احمد خان مأمور وزارت داخله ارسال شد که اگر نظری دارند فرستند بکمیسیون و هنوز از طرف وزارت داخله نظری تقدیم

مخبر - بدیهی است که این قانون در دوره پیش مطرح بود و بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تنظیم شده است و وزارت داخله این قانون را تنظیم نکرده است بلکه در کمیسیون دوره چهار تنظیم شده ولی یک نسخه از این قانون بتوسط آقا میرزا احمد خان مأمور وزارت داخله ارسال شد که اگر نظری دارند فرستند بکمیسیون و هنوز از طرف وزارت داخله نظری تقدیم

مخبر - بدیهی است که این قانون در دوره پیش مطرح بود و بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تنظیم شده است و وزارت داخله این قانون را تنظیم نکرده است بلکه در کمیسیون دوره چهار تنظیم شده ولی یک نسخه از این قانون بتوسط آقا میرزا احمد خان مأمور وزارت داخله ارسال شد که اگر نظری دارند فرستند بکمیسیون و هنوز از طرف وزارت داخله نظری تقدیم

برای بلوکاتی که اطراف سرخس هستند مثلاً انجمن نظاری که در محله آباد در جزو تشکیل میدهند آن انجمن هارا انتخاب کنند

باید انتخابات حوزه های فرجه سرخس را به انجمنی که در سرخس تشکیل میشود واگذار کرد و اردبیل و آستارا و بعضی نقاط دیگر هم همینطور است

اینست که بنده پیشنهادی کرده ام و عقیده دارم انجمن های اصلی برای این قبیل ولایات قائل شده و باید طوری باشد که انجمنهای اصلی و فرعی صورت انتخابات حوزه خودشان را بفرستند باین مرکز

مخبر - این نظریه که آقای نماینده معتمد دارند در کمیسیون هم این نظریه بود و مخصوصاً وقتی نماینده وزارت داخله در کمیسیون بودند برای تنظیم جدول مذاکره شد و اظهار کردند ما بیشتر نظری که داریم اینست که تشکیلات وزارت داخله با تشکیلات انتخابیه مطابق باشد و این معایب را تا حدی که ممکن است جلوگیری کنیم

ولی در بعضی نقاط که ممکن نیست مستقشان کرد بدیهی است در یکی از نقاط انجمن مرکزی تشکیل میشود و در سایر نقاط انجمنهای فرعی تشکیل میدهند و انجمنهای اصلی و فرعی هم در انتخاباتشان هیچ فرق ندارد

اگر آفاق نظر نقطه نظر اسم اختلاف نظر دارند که انجمن فرعی نباشد و انجمن اصلی باشد

ممکن است انجمن فرعی را تبدیل باصلی کرد و اگر یک پیشنهاد دیگری هست مرحمت کنید تا در آن باب در کمیسیون مذاکره شود

معاون وزارت داخله - چون صحبت از نماینده وزارت داخله میشود در موضوع تجدید نظر در قانون انتخابات برای تذکر عرض میکنم که نماینده وزارت داخله که در کمیسیون حاضر شده است برای توضیح دادن راجع به پروژه بندها بوده و تذکر تعدیل نظر راجع بقانون انتخابات اطلاعات راجع به حوزه بندها هم عبارت است از عده نفوس و ثوابت و بعد قاط و از این قبیل مسائل که مربوط به حوزه بندی است ولی در اصل این لایحه خواستم عرض کنم که وزارت داخله نظری نداشته است و هنوز هم داخل در تبادل نظر نشده است

مخبر - بدیهی است که این قانون در دوره پیش مطرح بود و بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تنظیم شده است و وزارت داخله این قانون را تنظیم نکرده است بلکه در کمیسیون دوره چهار تنظیم شده ولی یک نسخه از این قانون بتوسط آقا میرزا احمد خان مأمور وزارت داخله ارسال شد که اگر نظری دارند فرستند بکمیسیون و هنوز از طرف وزارت داخله نظری تقدیم

مخبر - بدیهی است که این قانون در دوره پیش مطرح بود و بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تنظیم شده است و وزارت داخله این قانون را تنظیم نکرده است بلکه در کمیسیون دوره چهار تنظیم شده ولی یک نسخه از این قانون بتوسط آقا میرزا احمد خان مأمور وزارت داخله ارسال شد که اگر نظری دارند فرستند بکمیسیون و هنوز از طرف وزارت داخله نظری تقدیم

مخبر - بدیهی است که این قانون در دوره پیش مطرح بود و بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تنظیم شده است و وزارت داخله این قانون را تنظیم نکرده است بلکه در کمیسیون دوره چهار تنظیم شده ولی یک نسخه از این قانون بتوسط آقا میرزا احمد خان مأمور وزارت داخله ارسال شد که اگر نظری دارند فرستند بکمیسیون و هنوز از طرف وزارت داخله نظری تقدیم

مخبر - بدیهی است که این قانون در دوره پیش مطرح بود و بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تنظیم شده است و وزارت داخله این قانون را تنظیم نکرده است بلکه در کمیسیون دوره چهار تنظیم شده ولی یک نسخه از این قانون بتوسط آقا میرزا احمد خان مأمور وزارت داخله ارسال شد که اگر نظری دارند فرستند بکمیسیون و هنوز از طرف وزارت داخله نظری تقدیم

مخبر - بدیهی است که این قانون در دوره پیش مطرح بود و بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تنظیم شده است و وزارت داخله این قانون را تنظیم نکرده است بلکه در کمیسیون دوره چهار تنظیم شده ولی یک نسخه از این قانون بتوسط آقا میرزا احمد خان مأمور وزارت داخله ارسال شد که اگر نظری دارند فرستند بکمیسیون و هنوز از طرف وزارت داخله نظری تقدیم

مخبر - بدیهی است که این قانون در دوره پیش مطرح بود و بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تنظیم شده است و وزارت داخله این قانون را تنظیم نکرده است بلکه در کمیسیون دوره چهار تنظیم شده ولی یک نسخه از این قانون بتوسط آقا میرزا احمد خان مأمور وزارت داخله ارسال شد که اگر نظری دارند فرستند بکمیسیون و هنوز از طرف وزارت داخله نظری تقدیم

مخبر - بدیهی است که این قانون در دوره پیش مطرح بود و بعنوان طرح قانونی پیشنهاد و تنظیم شده است و وزارت داخله این قانون را تنظیم نکرده است بلکه در کمیسیون دوره چهار تنظیم شده ولی یک نسخه از این قانون بتوسط آقا میرزا احمد خان مأمور وزارت داخله ارسال شد که اگر نظری دارند فرستند بکمیسیون و هنوز از طرف وزارت داخله نظری تقدیم

مجلس شده است.
رئیس- آقای ضیاءالواظنین (اجازه)
ضیاءالواظنین - عجلاناً عرضی ندارم.
رئیس- آقای دست قیاب (اجازه)
دست قیاب- بنده عقیده ام این است که اولاً این ماده اینجا محل ندارد برای اینکه انجمن های نظارت مرکزی مکلفند مطابق جدول منضم بقانون اقدام به تشکیل انجمن های فرعی نموده و جدول هنوز معلوم نیست که موضوعش چیست؟
و ترتیب انتخابات از روی جدول چیست یا هر جا چند نماینده باید داشته باشد این یک جهت مخالفت بنده یکی این است که نوشته متصدی و مسئول امر انتخابات محل خود باشند.
بنده در این ماده هم خواستم عرض کنم که متصدی و مسئول صحت جریان انتخابات را بطور می شود انجمن نظارت قرارداد برای اینکه انجمن نظارت مستخدم دولت نیست که مسئول باشد فقط یک مسئولیت اخلاقی دارد و این مسئولیت را گمان میکنم نشود در قانون گنجانید که امضاء انجمن مسئولیت قانونی دارند در صورتیکه مسئولیت آنها مسئولیت اخلاقی است فرض کنیم از امضاء انجمن گفتند تشریف بیاورید و نیامد گفتند می آید یا خیر.
جواب هم نداد.
آیا چه فلسفه ای گفته است که حتماً باید او را آورد.
پس مسئولیت برای انجمن نظارت مرکزی چه اصلی و چه فرعی منطبق ندارد مگر اینکه یک نفر از اشخاصی که مسئول دولت است او را مسئول صحت جریان انتخابات قرار داد که صحت یا عدم صحت یا بطور جریان انتخابات را باو نسبت داد و الا مسئولیت انجمن نظارت چه جزئی و اصلی و چه فرعی منطبق ندارد.
مغیر - چون مسئله مسئولیت اینجا صحت بشود عرض میکنم.
مسئله انتخابات از وظایف ملی است و هر کس در حدود دخالتی که دارد مسئولیت دارد بنده که بگنفر از انتخاب - کنندگان هستم اگر یک تقابلی کردم در انتخابات و متلاذم دقت رای دادم یا تهدید و تطبیع کردم یک مسئولیتی متوجه من است و مستحق مجازات هستم.
نظارت در حدود اختیاراتی که دارند بایستی از مفاد قانون تخلف نکنند و البته مسئولیت دارند و هر کدام تملی در اجرای قانون کردند باید تعقیب شوند و مواخذه شوند و مأمورین وزارت داخله هم برای اجرای اوامر نظارت مسئولیت دارند بنا بر این گمان میکنم این ماده اشکالی

داشته باشد.
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده موافقم
رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)
وکیل الملک - مخالفت بنده با این ماده در این کلمه (مکلفند) است.
البته نقطه نظر آقایان این بوده که از انجمن نظارت امضاء نمایندگان انتخابات جلوگیری شود که مبادا انجمن فرعی نخواست باشد تشکیل دهند ولی یک اشکال دیگر در عمل پیش می آید و در دوره های سابق هم سابقه داشته و آن اینست که در بعضی جاها یک موانع و مقتضیاتی پیش می آید که حالا نمیتوانم آنها را عرض کنم.
و آقایان متذکر هستند و بنا بر آن مقتضیات همان انجمن نظارت یا حکومت مقتضی نمیدانند یک شب در آنجا باشد و این قانون اشکال پیش می آورد.
مثلاً انتخاباتی شود آمد مجلس و مجلس یا خود دولت هم آن موانع را تصدیق کرد باز هم آن انتخابات غلط است و اگر در مرتبه هم انتخابات را شروع کنند باز همان موانع پیش می آید باین جهت بنده میخواستم یک تقاضای دیگری بکنم تا آقایان امضاء کبیسون یک راه حلی برای این توتیب پیدا کنند که در آنجا اسباب اشکال نشود.
مغیر - راه حلی را که نماینده مقرر بنظرشان میرسد بنویسند و بنده تکبیسون کبیسون هم بدیهی است قبول میکنم.
(گفته شد مذاکرات کافی است)
رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود.
(اینطور قرائت شد)
پیشنهاد آقای یاسائی - بنده تبره ذیل را پیشنهاد میکنم ماده ۱۸ اضافه شود تبصره ۲ هر گاه دو یا چند ولایت یک حوزه انتخاباتی را تشکیل دهند در مرکز هر ولایتی انجمن نظارت اصلی مطابق ماده ۱۴ تشکیل میشود که انجمن های فرعی آن ولایت را بوجب جدول منضم باین قانون مدین نموده متصدی و مسئول صحت انتخابات بانجمن نظارت مرکزی ارسال بدارد.
پیشنهاد سادگان - بنده پیشنهادی کنم (۱) ماده ۱۸ اینطور اصلاح شود.
ماده ۱۸ - انجمن نظارت مرکزی مکلف است قبل از انتشار اعلان و داخل شدن در کار و مطابق جدول منضم بقانون اقدام به تشکیل انجمن های فرعی کلیه حوزه انتخابیه نماید بترتیبی که انتخابات تمام حوزه در یک روز معین شروع و در یک روز معین ختم شود بمنظور تشکیل دادن تمام حوزه انتخابیه داخل در عمل بشود.
(۲) سطر آخر تبصره همین ماده حذف

رئیس - ماده ۱۹ - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - عرضی ندارم
رئیس - آقای تهرانی
تهرانی - عرضی ندارم.
رئیس - آقای شیروانی (در مجلس نبودند)
رئیس - آقای ضیاءالواظنین (اجازه)
ضیاءالواظنین - عرضی ندارم
رئیس - آقای دست قیاب
دست قیاب - عرضی ندارم
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - بنده موافقم
رئیس - آقای مشار اعظم (اجازه)
مشار اعظم - این ماده اشاره میکنند که تقاطعی که در جدول پیش بینی نشده باشد انجمن نظارت یا نظارت حکومت مبتواً انجمن فرعی تشکیل دهد.
اگر چنانچه یک ترتیبی میگردند و باختیار وزارت داخله واکتار میگردند بهتر بود.
برای اینکه غالباً دیده شده است که در بعضی نقاط حکام تشکیل داده اند و یک جهات خاصه را در نظر گرفته اند.
بنابراین ضرر ندارد نظارت وزارت داخله هم جلب بشود.
مغیر - این نظاری را که ایشان دارند اسباب بطور جریان انتخابات میشود یک معنی لزوم پیدا میکند که انجمن فرعی در آنجا تشکیل شود.
در قانون هم پیش بینی نشده است مثل اینکه در قانون سابق تکلیف را آقایان فراموش کرده بودند در جدول پیش بینی کنند و مسکن است در این دوره هم یک اشتباهاتی بشود که بعضی نقاط از نظر مأمورین وزارت داخله یا امضاء کبیسون محو شود و امدهش در این جدول نباشد.
بنابراین خواستم اینطور باشد که در صورت لزوم انجمن باموافقت حکومت شبیه انجمن فرعی در آنجا تشکیل دهد و در صورتیکه بنظر وزارت داخله واکتار شود و اسباب تأخیر خواهد شد.
رئیس - ماده بیست.
آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - در ماده بیست نوشته است انجمن های نظارت مرکز برای تشکیل اقدام به تشکیل انجمن های فرعی کلیه حوزه انتخابیه نماید بترتیبی که انتخابات تمام حوزه در یک روز معین شروع و در یک روز معین ختم شود بمنظور تشکیل دادن تمام حوزه انتخابیه داخل در عمل بشود.
(۲) سطر آخر تبصره همین ماده حذف

زیرا در بلوکی که فرضاً چهار نفر است بواسطه بعد مسافتی که با مرکز انتخابیه بیست فرسخ سی فرسخ فاصله دارد و باید انجمن فرعی تشکیل دهند و در آنجا اشخاص باسواد پیدا میشوند که سی نفر حداقل باشند که صلاحیت انتخاب شدن را داشته باشند و آن ها را بیاورند و برای انجمن انتخاب کنند در اینجا یک مشکلاتی فراهم می شود.
در صورتی که باید انجمن های مرکزی بعقیده بنده انجمن های فرعی را کاملاً بشناسند و آنها را بنظر خودشان انتخاب کنند و تشخیص بدهند والا نایب العکومه محل در جاهای دور دست در جاهایی که دسترسی بجائی ندارند در آنجا سی نفر را به ترتیبی که در ماده چهارده مقرر است انتخاب کنند.
بنظر بنده هلی نمی آید و مشکلاتی هم تولید میشود.
مغیر - این ماده را اگر مطالعه فرموده بودند یک جمله از اعتراضاتشان را نیفرمودند مینویسد هر گاه در محل اشخاصی که دارای شرایط انتخاب شدن باشند بنده کافی نباشند متعین انجمن را از اشخاصی که شرایط انتخاب کردن را داشته باشند تکمیل می نمایند و بدیهت در هر معنی صد نفر است که شرایط انتخاب شدن یا انتخاب کردن را گفتند مذاکرات کافی است)
رئیس - اگر تصویب میگردند بقیه مذاکرات بماند برای هفته آتی.
بعضی از نمایندگان - صحیح است.
رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)
عدل الملک - دستور مدین می فرمائید؟
رئیس - خیر - سؤالات از وزراء است.
عدل الملک - بنده در دستور عرض دارم.
رئیس - آقای آقامیرزا شهاب (اجازه)
آقامیرزا شهاب - بنده در دستور عرض دارم.
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - عرضی ندارم.
رئیس - آقای اخگر (اجازه)
اخگر - در دستور عرض دارم.
رئیس - آقای دست قیاب (اجازه)
دست قیاب - در دستور عرض دارم
رئیس - کسی سؤالی ندارد؟
افشار - بنده سؤالی دارم.
بعقیده بنده این ترتیب هلی نیست

رئیس - بفرمائید.
افشار - در بیست و هشتم عقب از وزارت مالیه راجع باهانه ارمیه و یوطی یک عباسی معمولات سؤالی کرده بودم استدعا میکنم وزارت مالیه تذکر داده شود که برای جواب سؤالی بنده حاضر هوند.
رئیس - حالا حاضر نیستند، آقای محمد ولی میرزا (اجازه)
شاهزاده محمد ولی میرزا - بنده سؤالی از آقای وزیر فواید عامه داشتم.
یک نفر از نمایندگان - ایشان هم که نیستند.
رئیس - آقای رهنما (اجازه)
رهنما - بنده سؤالی راجع بکمیانی کمیته فرانسوی از وزارت پست و تلگراف دارم اگر برای جواب حاضرند عرض کنم.
وزیر پست و تلگراف - مطلبش رفته است وزارت مالیه هنوز جوابی از طرف مالیه نرسیده است هر وقت جوابی رسد عرض میکنم.
رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)
حاج میرزا یحیی دولت آبادی - آقایان میدانند که مسئله حسن جریان پست چقدر در امر اقتصادیات و تجارت مدخلیت دارد.
در دوره های استبداد قبل از مشروطه پست اصفاهان و طهران در مدت سه الی چهار روز آمدورفت میکرد در صورتی که در آنوقت نه انومیل و نه مثل حالا وسائل نقلیه بود.
در این اواخر مخصوصاً از سال گذشته باین طرف غالباً پست دچار وقفه و تعطیل میشد.
مسافر از اینجا باصفهان بیست و چهار ساعت میرود یک شب هم در راه میخوابد و بیشتر از چهارده یا نوزده ساعت در راه است ولی پست ده یازده روز طول میکشد تا از اینجا باصفهان برود.
مسافرین هم که نمی توانند کاغذ و پاکت را ببرند.
مطالب مردم همینطور دچار وقفه و تعطیلی شده است گاهی اتفاق می افتد که مسافر از اینجا باصفهان میرود و بر میگردد در صورتیکه هنوز کاغذ پست بمقصد نرسیده است.
سؤال بنده از وزارت پست و تلگراف این بود که برای خاتمه دادن باین ترتیب و اتحاد یک ترتیب جدیدی باموجود بودن همه گونه وسائل نظامی و غیر نظامی فکری کرده اند یا نه که افلا حالا که پست باقتضای نیاز و ذهاب امروزه حرکت نمیکند به

اقتضای زمان استبداد و دوره های گذشته و آن یا بومرودهای آن دوره حرکت کند.
فرض از سؤالی بنده این بود که خواستم بدانم چه خیالی برای تسریع پست دارند؟
وزیر پست و تلگراف - مشغول اصلاح این کارها هستیم. انشاءالله بزودی اصلاح شده و ترتیبی را حتی خیال آقایان همه مردم فراهم خواهد آمد.
وزیر عدلیه - پیشنهاد راجع بپست استناداً تقدیم مجلس شورای ملی میکنم.
رئیس - آقای امیرالم (اجازه)
امیرالم - سؤال بنده راجع بامور صحتی است از وزارت داخله.
البته همه آقایان میدانند و اهمیت امور صحتی بقدری واضح است که محتاج بشرح نیست و تقدان وسائل صحتی در نظر همه آقایان مکشوف است.
بنده خیلی خوشوقتیم که در مجلس پنجم بر خلاف ادوار سابق آقایان نمایندگان معترزم عموماً یک هملاندی خاصی نسبت به امور صحتیه اظهار و ابراز میدارند. و این اولین دقتی است که نسبت بامور صحتیه اظهار علاقه مندی میشود.
در مجلس دوم هم تا اندازه در امور صحتیه مذاکره شد و در نتیجه رأی که مجلس دوم داد موافقت کثیره نصیب مردم و مملکت گردید.
و آن راجع بپست آبله کوبی است. در آن وقت از روی یک احصائیه هائی که در گامی هم درست معلوم نبود در مملکت ما قریب دو پست هزار نفره تلفات آبله بود.
که از این عده صد هزار نفر تلفات و پنجاه هزار نفر اشخاص بودند که در نتیجه آبله بعضی امضاءشان مخصوصاً از چشم میوب و قاتمی میشدند و پنجاه هزار نفر دیگر مبتلا بر ضرس سل میشدند.
زیرا مرض آبله مزاج انسان را برای صل مستعد و حاضر میکند.
در نتیجه این اقدام خیر خواهانه مجلس دوم که یکی از یادگارهای تاریخی آن دوره است ما توانستیم تا حدی از آبله جلوگیری کنیم.
حالا وقتی که گفته یا شنیده میشود که در فلان ولایت هزار نفر طفل تلف شده اند خیلی این مسئله را با تعجب تلقی میکنم.
در صورتیکه آنوقت دو پست هزار نفر تلف میشدند.
در دنیای امروزه هم صحتیه یک اهمیت فوق العاده پیدا کرده ملاحظه بفرمائید در مجمع اتفاق ملل و پارلمانها حتی در کنفرانس لوزان هم راجع بامور صحتیه مذاکره میشود و اگر آقایان بر این پورت وجه ملاحظه بفرمائید صحتی بنده یک فصل مشغولی راجع بامور صحتی است پس ناچاریم که انشاءالله بر خلاف سابق امور صحتی خودمان را کاملاً مرتب نماییم.
بعقیده بنده امور صحتی در مملکت ما برود و

قسمت عده منقسم میشود یکی امور صحتی سرحدی دیگری امور صحتی داخلی عرض کردم که امور صحتی در دنیای امروزه خیلی اهمیت پیدا کرده و از این نقطه نظر همانطور که امور صحتی در دنیای امروزه یک استقلال صحتی هم ایجاد شده است و باید هر مملکت در حدود خودش راجع به امور صحتی یک اقدامات لازمی بکند تا حاکمیت خود را راجع بامور صحتیه در سرحدات و تمام مملکت مستقر نماید. مسئله صحتی سرحدات خیلی مهم است. از این جهت ناچاریم سرحدات خودمان را از حیث امور صحتی خیلی مجهز بداریم.
اما راجع بامور صحتی داخلی، این هم بدو قسمت تقسیم میشود یکی امور صحتی شهرها و دیگری امور صحتی بلوکات و دهات.
امور صحتی دهات و بلوکات هم مثل امور صحتی سرحدات راجع است صحتیه کل مملکتی ولی امور صحتی شهرها راجع است ببلدیه ها و متأسفانه تاکنون در ولایات و ایالات اگر ببلدیه ها یک بودجه برای خودشان ترتیب داده اند امور صحتی را در آخر همه چیز قرار داده اند یعنی اگر یک مازادی پیدا کرده اند آنرا گفته اند حقوق طبیب یا دوا باشد.
در صورتیکه بعقیده بنده ببلدیه ها باید امور صحتی را در سر لوجه بودجه خودشان بنویسند.
اینست که بنده با کمال احترام از نماینده معترم وزارت داخله سؤال میکنم که آیا وزارت داخله تعلیمات لازم بامورین خودش در ایالات و ولایات داده است که ببلدیه های هر شهری امور صحتی را در سر لوجه بودجه خودشان قرار بدهند یا خیر؟
و از اول سال جدید امور صحتی شهرها تا اندازه که ممکن باشد تأمین خواهد شد یا خیر؟
معاون وزارت داخله - البته اهمیت امور صحتی خیلی زیاد است و همینطوریکه فرمودند بایستی همیشه مورد توجه دولت باشد (چنانچه حالا هم است) و اقداماتی که امساله از طرف دولت برای توسعه امور صحتی بعمل آمده است بخوبی نشان میدهد که دولت کمال اهمیت را باین موضوع داده است و همانطور که فرمودند در شهرها مسئله صحتی مربوط ببلدیه ها است و یک قسمت از اقدامات مهم ببلدیه ها همین است که بامور صحتی اهمیت بدهند و الا آن هم در هر نقطه که عایدات مکتفی باشد حقوق طبیب صحتی را میدهند و هیچ مضایقه در آن خصوص نشده است.
که هر بلدیه یک طبیب صحتی داشته باشد.
ولی البته این ترتیب غیر کافی است و هر وقت ببلدیه ها یک منبع عایدی پیدا کردند یک اقدامات مهمتری در امور

صحتی خواهد شد
زیرا امروزه دولایات و ولایات عوامه ببلدیه ها متعصر است بپوارش نواقض که آن هم پس از وضع مخارج عایداتش خیلی کم است باین جهت بنده نمیتوانم تمهید کنم که در بودجه ببلدیه ها راجع بامور صحتی آنطور که لازم و درخور است مخارج را رعایت کنیم ولی در عین حال حتی المقهوره مسئله صحتیه را رعایت میکنیم و دستور میدهم هر قدر که ممکن شود بصرف امور صحتی برسانند.
مخارج ببلدیه ها بیشتر مربوط است به - نظیف و توتور ممبرو با این حال بقدری که ممکن باشد باید مصارف صحتی را هم در نظر گرفت
ولی هنوز ببلدیه ها نتوانسته اند اقدامات خودشان را بواسطه نبودن منابع عایدی توسعه و ادامه دهند
ولی البته برای سال آتی ببلدیه ها دستور داده خواهد شد تا کید میشود که برای مصارف صحتی مبتنی را در بودجه خودشان منظور کنند.
اما بطوری که عرض کردم این اقدام مربوط باین است که ببلدیه ها عایدی پیدا کنند زیرا چنانچه عرض شد عایدات نواقض پس از وضع مخارج بقدری قلیل است که کفایت مخارج عایدی را نمیکند چه رسد بصرف صحتیه
رئیس - آقای دست قیاب (اجازه)
دست قیاب - سؤال بنده از وزارت معارف بود.
مدتی است که راجع به مدرسه کاظمین و کربلا سؤال کرده ام خوبست حاضر شوند جواب بفرمائید.
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - چندی قبل بنده سؤالی دادم و تقاضا کردم وزارت عدلیه برای جواب حاضر شوند.
یکی از سؤالاتی که بنده کرده ام راجع بهم اجرای قانون امتحان است در عدلیه های ولایات.
قانون امتحانی را که مجلس دوره چهارم گذرانیده برای این بوده است که قضاتی که چه در مرکز و چه در ولایات متصدی مشاغل هستند امتحان بدهند.
مسئله قضاوت مثل سایر مشاغل دولتی نیست که بدون امتحان کسی بتواند متصدی آن شود متلاصقاً اصول مالیات چندان امتحانی لازم ندارد.
اما در وزارت عدلیه عقیده بنده این است که قانون امتحان قضاوت را قبل از هر کاری باید اجرا کرد و دو پان کار مبادرت کنند.
متأسفانه تاکنون در یک قسمت از نقاط مملکت قضاة همائاتی هستند که بوده اند و بنده نمیدانم پس از امتحان حال

آنها چه خواهند شد.

آنها حالا در مشاغل خودشان باقی و شاید يك درجات عالی را هم داشته باشند در صورتیکه اگر امتحان بدهند آنگاه شاید منزل کنند و يك اشخاص با ملاماتی جای آنها را بگیرند.

بنده خواستم سؤال کنم که آیا بموجب عدم اجرای قانون امتحان در مدلیه های ولایات چه بوده و آیا وزارت مدلیه اجرای این قانون امتحان را در تمام مملکت در نظر گرفته است یا نه؟

سؤال دیگر بنده راجع با ابلاغاتی است که غالب آقایان شاید دیده باشند که يك ابلاغاتی از طرف وزارت عدلیه صادر شده و غالبش هم با قوانین مصوبه مجلس شورای ملی متناقض است و این ابلاقات بدست قضات داده شده است و اسباب زحمت برای آنها شده و شاید يك خصوصاتی هم در صدور این ابلاقات در نظر بوده است بهر حال يك ابلاقات وزارت امری صادر شده و حکم کرده اند قضات در محاکم کر و ولایات این ابلاقات را بنابه قانون تلقی کنند و پذیرند.

مثلا قراردادی مابین وزارت عدلیه و

اوقاف شده است راجع بتعقیب متصدیان و متولیان اوقاف بتربیت مخصوص که شاید قانون آنطور اجازه نداده و این نظامنامه باعث شده است که ما دعوی مدعی العموم را بر حسب تقاضای ادارات اوقاف می پذیرند و تعقیب میکنند و املاک مردم را توقیف میکنند و سگی هم بستند این ابلاقات صادر میشود گاهی اتفاق می افتد که محکمه استیناف نقض میکند زمانی هم تنفیذ میکند آنوقت محکمه عالی نیز آن احکام را نقض مینماید و این مسئله ابلاقات اسباب زحمت برای مردم شده است.

من جمله ابلاغی راجع بدعوی بیست ساله است که تقریباً يك روز زمانی است و هنوز هم مجلس او را تصویب نکرده و چون اینطور است يك محکمه میگوید بنظر اینک مستند این مسئله جز يك ابلاغ چیز دیگری نیست.

لذا من دعوی بیست ساله ای را می پذیرم ولی يك محکمه دیگری ترتیب اثر داد و نمی پذیرد.

آنوقت محکمه عالی تری حکم محکمه دانی را نقض میکند و این ترتیب اسباب زحمت است و غالب این ابلاقات برخلاف قوانین است که از کمیسیون مجلس گذشته است.

مثلا یکی از ابلاقات صادره راجع بودای مردم است که در صورت عدلیه می گذارند وقتیکه مردم میخواهند ودایع خودشان را مسترد بدارند و آنرا کسر میکنند.

در صورتیکه هیچ همچو قانونی نیست

که وقتی مردم میخواهند ودایع خودشان را مسترد کنند عشر آن را کم میکنند.

حالا از این قبیل ابلاقات خیلی زیاد است که بنده میخواهم عرض کنم زیرا موجب تطویل کلام میشود.

يك كتابچه بزرگی است که تمام ابلاقات وزارت است بهر حال خواستم از آقای معاون یا وزیر عدلیه سؤال کنم که آیا در نظر دارند این ابلاقاتی که وجودشان لازم است بصورت قانونی در آورده و به مجلس بیاورند آنها همی که بودشان از روی نادر و متناقض با قانون است اساساً نماندند چنانچه شاهزاده نصرت الدوله هم در زمان وزارت خودشان يك قسمت از این ابلاغاتی را که متناقض با قانون بوده منفی کردند.

سؤال اول عرض میکنم در قانون امتحان مقرر است که اشخاصیکه مقام ریاست ابتدائی یا مدعی العمومی یا مقامات بالاتر را دارند باید باینکه در امتحان و امتحان بدهند و اجرای این قانون نسبت بقضاتی که دارای این رتبه ها و رتبه های بالا هستند در نظر گرفته شده و اکثر هم امتحان داده اند.

ولی نسبت به کسانی که در مرتبه پایین ترند همچو تربیتی مقرر نیست و برای خیلی از نقاط از قبیل تبریز و اسفهان و شیراز و قزوین و زنجان يك کمیسیونهای امتحانیه از مرکز فرستاده شده است و اعضاء امتحان داده اند و يك عده دیگری هستند که در مرکز امتحان داده اند و ولایات مأمور شده اند.

فقصد بعضی جاها از قبیل قم و کاشان و یزد و کرمان و مشهد بواسطه فقدان وسائل مالی تاکنون وزارت عدلیه نتوانسته است مأمورین مخصوصی برای امتحان کردن بفرستد البته مصارف این کار در بودجه است آنگاه پیش بینی خواهد شد و این قانون متدرجاً تا اندازه که وسائل اجرایش فراهم بوده اجرا شود خواهد شد.

بعلاوه عدم زیادی هستند که بموجب قانون ازدادن امتحان مفاقد و الاثام در میان اجزاء و مستخدمین عدلیه شاید صدی ده نباشند که محتاج بدان امتحان باشند.

صدی نود یا امتحان داده اند تا از دادن امتحان معافند.

راجع بقسمت ابلاقات وزارت عدلیه آنطوریکه آقای باستانی سوختن کردند و فرمودند مخالف با قانون است آنطور نیست.

اینها يك نظامنامه هائی هستند که برای يك موضوعاتی وضع شده و البته برای تسهیل اجرای قانون يك دستورالعملهائی لازم بود باشخصاییکه مأمور اجرای قانون هستند داده شود تا ادامه طریق شده باشد برای اشخاصیکه باید قانون را بموقع اجرا بگذارند و يك قسمت از این ابلاقات راجع بموضوعاتی است که اصلاً در آن باب قانونی نیست تا

موافقت داشته باشد یا مخالفت در هر حال بنده عرض نمیکنم

در تمام قسمت ابلاقات يك چیز هائی نیست که تفاوت جزئی با قانون داشته باشد ولی در هر حال قانون اساسی تکلیف این مسئله را مین کرده و مطابق قانون اساسی نظامنامه های عمومی و دولتی را وقتیکه اجرا میکنند که مخالف با قانون نباشد و اگر معاکم عدلیه گاهی يك ابلاغاتی را اجرا نکرده اند بواسطه این است که خود قانون اساسی با آنها حق نظر داده است و مثلا مطابق و عدم مطابقت نظامنامه ها را بما قانون بنظر قاضی واگذار کرده است و این مسئله هم نظریست باین معنی که يك قاضی و یا محکمه مسکن است يك نظامنامه را مخالف با قانون بداند و محکمه دیگر نتواند و بالاخره حق حاکمیت هم با دیوان عالی تیز است که هر نظری را تنفیذ و ابرام یا نقض ورد کند در مسئله راجع بقرارداد بین وزارت اوقاف و عدلیه هم در این موضوع لازم است عرض کنم این برای اجرای آن قسمت از قانون اصول معاکماتی است که مدعی العموم حق دخالت داده شده است که در مسائل وقتی در موقعی که متولی خاصی ندارد دخالت کند و در این موقع مدعی العموم میتواند اقدام دعوی کند و اینهم بنظر تقاضای خود اوقات است.

اما راجع بدعوی بیست ساله که شرحی فرمودند این مسئله يك تاریخچه مفصلی دارد.

يك فرمانی از زمان ناصرالدین شاد در این باب موجود است و بلاوجه تصویب نامه هائی هم از هیئت وزراء موجود است خود وزارت عدلیه هیچوقت ابلاغی صادر نکرده و همینطور که عرض کردم دیوان تیز در این باب نظر قضائی خودش را اعمال می کند و اگر آن احکام را برخلاف قوانین موضوعه به بیند نقض و اگر موافق صادر شده است ابرام خواهد کرد.

وزارت عدلیه در این موضوع يك لایحه تهیه کرده است و بزودی تقدیم مجلس خواهد کرد.

اما راجع بگرفتن عشریه از ودایع مردم لازم است عرض کنم که از ودایع عشر موضوع نمیشود و این يك اطلاع بی اصلی است که آقای باستانی داده اند.

فقط صدی يك از ودایع موضوع عیشود آنگاه برای حفظ ودیعه است و این نه مخالفت با قانون دارد و نه موافقت و در واقع اینهم جزه همان مالیات هائی است که از سابق معمول بوده و از بدو تأسیس عدلیه این امر بوده و مربوط بعلائیست و ابلاغ تازه ای نه در باب ودیعه و نه در باب ودیعه بیست ساله از طرف وزارت عدلیه صادر نشده است.

و اطلاعات عرض میکنم در موقعی که

آقای سردار معظم وزیر عدلیه بوده اند به موجب يك حکم کلی بکلیه معاکم دستور داد اند و یاد آوری کردند که اگر در ابلاقات چیزی برخلاف قانون دیدند به موجب همان قسمت از قانون اساسی که عرض کردم به معاکم حق نظر داده است اجرا نکنند و چنانچه عرض کردم این مسئله هم نظری است بعضیها بعضی از ابلاقات را موافق قانون می دانند و بعضی دیگر مخالف قانون.

یاسانی - فرمایشات آقای معاون محترم وزارت عدلیه منع نبود زیرا نظامنامه راجع باوقاف بهما از وزارت آقای سردار معظم تدوین شده و حق توقیف را در يك مواردی با ادارات اوقاف داده اند و این برخلاف قانون اساسی است.

قانون اساسی حق حاکمیت هم با دیوان عالی تیز است که هر نظری را تنفیذ و ابرام یا نقض ورد کند در مسئله راجع بقرارداد بین وزارت اوقاف و عدلیه هم در این موضوع لازم است عرض کنم این برای اجرای آن قسمت از قانون اصول معاکماتی است که مدعی العموم حق دخالت داده شده است که در مسائل وقتی در موقعی که متولی خاصی ندارد دخالت کند و در این موقع مدعی العموم میتواند اقدام دعوی کند و اینهم بنظر تقاضای خود اوقات است.

الا حبس بموجب قانون اساسی از مختصات محکمه عدلیه باید باشد و باید بحکم معاکم عدلیه بعمل آید و این نظامنامه با ادارات اوقاف اجازه داده است که بدون اجازه دعوی مدعی العموم در محکمه توقیف بکنند و این مسئله بنظر بنده صراحتاً برخلاف قانون اساسی است.

در قسمت مرور زمان که فرمودند سابقه دارد و اینك مسئله نظریست.

لازم است عرض کنم که قانونی است - شود گفت نظریست یا غیر نظری.

مثلا فلان چیز قانونی است یا نه؟ و بالاخره اگر بخواهید قانون مرور زمان در مملکت مجری شود باید بصورت مجلس شورای ملی برسد و الا يك نظامنامه هائی که هیئت وزراء در يك عصری وضع کرده اند این قانون نمیشود بلکه باعث اشکال خواهد بود و رفع این اشکال هم باین است که وزارت عدلیه اگر استدلالی دارد که این نظامنامه صحیح است و باین صورت قانونی پیدا کند باید بشام معاکم عالی و دانی حکم کند که اینر بصورت قانون بپذیرند و در همه جای آنرا يك شکل بصورت نگاه کنند.

نقض و تنفیذ هائی که امروز در اطراف احکام معاکم رو میدهد برای این است که اصلاً یکی میگوید این قانون نیست و من نمی پذیرم.

دیگری میگوید قانونیست من می پذیرم ولی وقتی که بصورت قانونی در آمد آن وقت این اشکال مرتفع خواهد شد.

در قسمت عشریه هم که از ودایع کسر می شود مطابق ابلامی که چاپ شده و در کتاب ابلاقات وزارت عدلیه موجود است باالصراحه نوشته شده است

و اطلاعات عرض میکنم در موقعی که

معاون وزارت عدلیه - بطوری مرض کردم راجع بدعوی بیست ساله این يك نظامنامه ای از طرف وزارت عدلیه ندارد و فقط بموجب يك تصویب نامه هائی است که از هیئت وزراء متوالیا صادر شده است ولی اجرا نمیشود.

و این ترتیب امروزه در وزارت عدلیه مقرر است که معاکم دعوی ها را غالباً به استاد مرور زمان رد میکنند و برای اینکه با قانون هم موافقت داشته باشد لایحه ای در این باب تهیه و تقدیم مجلس خواهند شد.

رئیس - عده برای مذاکرات کافی جلسه آتی روز شنبه.

دستور را عرض میکنم اولاً سه فقره خبر از کمیسیون بودجه.

یکی راجع بکنترات مسیومولیتز و دیگری راجع بستبری دکتر کوبین و سومی راجع بعقود وراث صاحبصیان سوتی.

دو فقره خبر از کمیسیون متبکرات یکی راجع بطراحی که آقای تنی زاده در باب کتابخانه دولتی پیشنهاد کرده اند و دیگری راجع بطرح آقای الموتی در موضوع - درودخانه شاهرود خبر کمیسیون قوانین مایه راجع به معافیت ماشین های صنعتی.

آقای عدل الملک - در جندی قبل عرض کردم که مسئله راه بندر جزر و دامنان يك چیزی است که برای تجار و قوافل و همه مردم فواید عده دارد.

از این جهت استدعا دارم اینهم جزه دستور روز شنبه باشد.

رئیس - جزو دستور میشود ولی نمی دانم وقت بیداری کنم که در این باب مذاکره شود یا نه؟

آقای میرزا شهاب (اجازه)

قانون استخدام مستخدمین ادارات مجلس میخواهم عرض کنم يك روز دیگر هم تذکر دادم گفته خبرش در کمیسیون نظامنامه داخلی تمام شده است و تقدیم مجلس میشود و حالا تقدیم مجلس شده و مابین آقایان نمایندگان هم توزیع شده است.

حالا خواستم سؤال کنم از قبیل لوايح که تقدیم مجلس میشود اگر بنا شود تقاضای فوریت بشود در چه وقت بشود؟ چون این لوايح دفعه ای است که يك لایحه تقدیم مجلس شده و میخواهم تقاضای فوریت کنم.

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس يوم شنبه چهارم رلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳)

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس يوم شنبه چهارم رلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳)

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس يوم شنبه چهارم رلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳)

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس يوم شنبه چهارم رلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳)

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس يوم شنبه چهارم رلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳)

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس يوم شنبه چهارم رلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳)

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس يوم شنبه چهارم رلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳)

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس يوم شنبه چهارم رلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳)

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس يوم شنبه چهارم رلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳)

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس يوم شنبه چهارم رلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳)

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس يوم شنبه چهارم رلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳)

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس يوم شنبه چهارم رلو ۱۳۰۳ مطابق بیست و هشتم جمادی الثانیه ۱۳۴۳)

موقعی که بوده است نسبت بمستخدمین وظیفه شناس خودشان اظهار قدر دانی کرده اند لکن هر چیزی يك اندازه دارد ما که خدمت مجانی از کسی نخواسته ایم نعمت هم داده ایم در دوره چهارم قانونی از مجلس گذشته راجع به کنترات مسیومولیتز در تحت هفت ماده و موادش هم در این قانون بزرگ نوشته شده است از آن تاریخ تاکنون خدمت فوق العاده نکرده است همان خدمات سابقش را که تا سه هزار و سیصد و سی کرده تا بجا هم ادامه داده است و يك کار برجسته و يك کار فوق العاده نکرده که ما يك نعمت فوق العاده باو بدهیم و باین پیشنهاد کنیم که فلان قدر دیگر اضافه باورده شود و این لایحه جدیدی که از طرف دولت پیشنهاد شده است و خبری که از کمیسیون بودجه داده شده است به عقیده بنده يك امر زائدی است.

يك خدمت برجسته و امر بزرگی را که این مستخدم محترم بجا آورده که جلب نظردوات را نموده و در مقام قدر دانی بر آمده کدام است؟ که ما در ازاء آن بیاییم و يك چیزی اضافه کنیم خوبست ما يك قدری از عواطف خودمان جلو گیری نکنیم و این اندازه ها بلند پروازی نکنیم.

مثلا ما ملاحظه می کنیم می بینیم مستخدمین ما نسبت بهمدیگر يك رقابت هائی پیدا کرده اند و يك چشم هائی بهم دوخته اند بمجرد اینکه نسبت بیکدیگرشان ملاحظاتی فی الجمله زیادتی منظور شد نسبت بان حرف دیگر هم باید ملاحظه شود.

نظر باین عرایض و نظیر باینکه بنده وظیفه شناسی مستخدمین را از یکی را تقدیر می کنم دیگر نباید این قدر هم اضافه کنیم.

آخر دلیل چیست که ما بیاییم و يك حقوق زیادی قائل بشویم!

این بودجه مملکتی بوده است که تمام بقلم عوائد و مخارج آن از نظر ما گذشته است همه هم میدانید که ما نسبت بمخارج فوق العاده در تحت مضیقه بوده ایم حتی نسبت بمعاولین وزارتخانه های خودمان که از اول آفتاب تا ساعت پنج از شب رفته گرفتار زحمات این مملکت هستند باید پذیرائی بکنند. ملاقات بکنند. کارها را انجام بدهند.

در خصوص ماهی سیصد و پنجاه تومان آنها چند در این مجلس صحبت شد که مملکت پول ندارد این اندازه ها حقوق بدهد.

همینطور نسبت بر وسای ادارات خودمان و با اینکه بودجه تفصیلی بمجلس نیامد ولی بر سیل اجمال که نماینده محترم ملاحظه کردند نسبت بهرمیر اداره نسبت

بهر رئیس دایره در این مجلس چند صحبت کردیم نه اینکه این صحبت ها از روی بغل بود.

بلکه باین عنوان بود که ما نماینده هستیم باید بطور دقت مخارج را در مقابل عواید تعدیل کنیم و نگاه بدخل خودمان بکنیم و در مقابل آن دخل مخارج برای مملکت همین کتب خلاصه ما نسبت بمستخدمین داخلی خودمان اینقدر فشار آوریم و جدیت کردیم و گاهی حملات بی دردی بر رئیس محترم و غیر محترم کمیسیون بودجه و خود کمیسیون بودجه کردیم و همدیگر را محل ایراد و شمیر و فریاد قرار دادیم برای اینکه کسر بودجه داریم و این همه داد و فریاد ها برای این بود که کسر بودجه داریم و این داد و بیاد ها در واقع از روی يك حقیقتی بود.

زیرا دیدیم يك میلیون و کسری بودجه مان کسر دارد و بالاخره وزارت عدلیه ناچار شد بعضی از شعبات عدلیه ولایات را منحل نماید بواسطه نبودن بودجه و فریاد مردم بیکار میشوند بواسطه نبودن بودجه و عواید.

از آنطرف هم بی دردی معافیت نسبت بکسر کان قائل میشویم.

بنده میخواهم عرض کنم که آقایان خوبست توجه بفرمایند.

این مخارج و این بیبنداداد خرجی که دولت می بکسیون بودجه پیشنهاد میکند کمیسیون بودجه تاجه اندازه میتواند قبول کند؟

اکثریت مجلس برای این است که اگر کمیسیون بودجه در يك مضیقه گرفتار شد مجلس باار کما کند تا بودجه مملکت تعدیل شود.

بنده عرض میکنم مطابق این قانونی که در دوره چهارم مجلس تصویب شده است آیا ما اجازه میدهند که يك اضافه بدهیم؟

مگر این قانون نسخ شده است باین که این شخص يك خدمت فوق العاده است که ما باید آن را در نظر بگیریم؟

بنده این قانون را اینجا می گذارم آقایان بعد از من ملاحظه بفرمایند اگر اینطور است که بما نشان بدهند پس مطابق این قانون و بنا بر این که يك خدمت فوق العاده نشده است.

بنده عقیده ندارم که اضافه بشود بنده که يك نفر نماینده هستم بشام نماینده کی خودم تقدیر میکنم از خدمتانی که مسیومولیتز نسبت بوظیفه خود کرده ولی از غیر محترم هم تقاضا میکنم در این باب چندان تعقیب نفرمایند.

عهاد السلطنه - مغیر کمیسیون بودجه بنده خیلی میل داشتم در موقعی که راجع بمسئولیتها مقرر میشود.

عهاد السلطنه - مغیر کمیسیون بودجه بنده خیلی میل داشتم در موقعی که راجع بمسئولیتها مقرر میشود.

عهاد السلطنه - مغیر کمیسیون بودجه بنده خیلی میل داشتم در موقعی که راجع بمسئولیتها مقرر میشود.

عهاد السلطنه - مغیر کمیسیون بودجه بنده خیلی میل داشتم در موقعی که راجع بمسئولیتها مقرر میشود.

عهاد السلطنه - مغیر کمیسیون بودجه بنده خیلی میل داشتم در موقعی که راجع بمسئولیتها مقرر میشود.

اگر چه همانطور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند خدمات کلیه مستخدمین بازرگی قابل انگار نیست ولی مسیومولیت شهنشاهی که خدماتی غیر از خدمات گمرکی کرده است.

اگر فراموش نشده باشد در سال مجامعه خدمات مسیومولیت در همین طهران و همین پای تفت قابل تقدیر است.

همچنین سایر خدمات بیست و دو ساله او چه در طهران چه در تبریز و سایر نقاط ایران.

اما اینکه مکرر فرمودند که چه چیز باعث شده است یک حقوق اضافی برای ایشان منظور شود برای استحضار خاطر آقای عرض میکنم که یک چیز فوق العاده منظور نشده.

ماده دوم آن که راجع ببتزل است شاید بنظر آقا نازآمده.

ولی این منزل همیشه بوده است و معمولاً دولت منزلی که اجاره آن هشتاد تومان تجاوز نمیکند بکلیه رؤسای گمرکی داده است مسیومولیت هم این منزل را داشته است در آنجا هم باید داشته باشم یعنی در پیشنهاد سابق قفلت شده بود و نوشته نشده بود.

یکی هم مسئله جیره است و آن هم یک امتیازی است که بین رئیس گمرک و سایر مستخدمین گمرک است.

و اما راجع به ماده اول این را اگر از نقطه نظر انصاف نگاه کنید تصدیق میفرمایند اگر مسیومولیت این ۲۲ سال خدمتی را که در ایران کرده است در ملک خودش میکرد شاید همین مبلغ بلکه زیاده تر برای ایام پیری و بعد از خود او برای هیالش و اولادش منظور میشدند و این یک چیز فوق العاده نیست.

گمسیون هم با اکثریت قریب با اتفاق پیشنهاد دولت را برای تقدیر خدمات ایشان تصویب کرده است و امیدوارم مجلس شورای ملی هم باین طرز خیلی خوبی که اسباب تشویق سایر مستخدمین و خدمتگذار باشد قبول بفرمایند.

بعرض از نمایندگان مذاکرات کافی است.

رئیس - رأی میگیریم برای دخول در شور مواج.

آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. در ماده اول مخالفی نیست.

آقای سید یعقوب - بنده مخالفم. **رئیس** - بفرمائید.

آقای سید یعقوب - این ماده اول راجع به حقوق تقاضای است اینجانبند می خواهم مرض کتدر صورتیکه مستخدم محترم وقت هم مالیات دولت مرکزیت پیدا مکرر در اینجا حاتم بخش میکنم که بمولیت

که در قانون استخدام نوشته شده است برسد حق دارد و میتواند تقاضای تقاعد کند.

در صورتیکه پس شصت سال در خدمت دولت ایران برسد باید مطابق قانون استخدام کشوری درباره او رفتار شود و حالا چرا یک ماده جدا گانه برای اینکار نوشته اند. ما خوب نیست در هر امر جزئی یک ماده قانون وضع کنیم.

بنده عرض میکنم وقتی مستخدم پس تقاعد رسید باید مطابق قانون استخدام کشوری با او رفتار شود و دیگر ماده جدا گانه لازم ندارد و برای هر فردی نمی شود یک ماده جدا گانه نوشت.

مخبر - بنده از آقای آقا سید یعقوب تمجیب میکنم که خودشان از کسانی بودند که قانون استخدام را وضع کرده اند. آیا قانون استخدام شامل حال مسیومولیت میشود؟

بعرض از نمایندگان - خیر **مخبر** - مسیومولیت یک نفر بازرگی است که ما او را کتترات کرده ایم و این قانون شامل حال او نمیشود.

حالا هم در این ماده شرط میشود که هر گاه دولت ایران استخدام او را صلاح نداند این مبلغ را با او بپردازد.

رئیس - آقای ندین (اجازه)

تدین - موافقم.

رئیس - آقای شیخ المراد افین زاده **شیخ العراقین زاده** - بنده هم موافقم.

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - موافقم.

رئیس - آقای صدوق میرزا (اجازه)

محمد علی میرزا - بنده هم موافقم **رئیس** - آقای حاج میرزا عبدالوهاب چهلرود **حاج میرزا عبدالوهاب** - بنده مخالفم. **رئیس** - بفرمائید.

بعرض از نمایندگان مذاکرات کافی است.

رئیس - بعد از اجازه نمیشود گفت مذاکرات کافی است.

رئیس - بعد از اجازه نمیشود گفت مذاکرات کافی است.

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض میکنم این ملک که فقر و فاقه احاطه اش کرده از راه دور را هم نمیگویم همین پشت دروازه تهران را عرض میکنم که مؤدیان مالیات چقدر بهشان سخت می گذرد که نصف و قرش و اسباب هر چه دارند بزرحت میفرودند و مالیات دولت را میدهند.

وقتی هم مالیات دولت مرکزیت پیدا مکرر در اینجا حاتم بخش میکنم که بمولیت

چقدر داده شود.

پس بگویم چقدر داده شود اگر ما کبیل آن خوردند ما هستیم. و کبیل دهنده ما هم هستیم. علاوه از قراری که بنده شنیدم از ایشان وقتی که رئیس ارزاق بودند حالا نمیدانم چقدر خدمت کرده اند که بعضی از آقایان فرمودند ولی از قراری که بنده اطلاع یافته ام ایشان وقتی که رئیس ارزاق بوده اند حساب پانزده کرور را داده اند.

این یک فقره از خدمات ایشان است حالا چقدر مردم در آن سال تلف شده اند کاری ندارم.

ولی حساب آن وقت را هنوز نداده اند و ما حالا داریم اینجا تروپ میکنیم که علاوه بر ماهی هفتصد تومان و کسری که مواج میگردد و فلان قدر هم اضافه با داده شود. آخرین پول از کجایم آید و این مناسکت داور روز بروز بطرف فتر و فاقه می رود و بنده میدانم این چه تریبی است. اگر مقصود اینست که یک عده مخصوصی متول بشوند بفرمایند تا بنده هم بفهمم اگر هم نیست بفرمایند تا منقاع بشوم.

رئیس - آقای سرکشیک زاده (اجازه)

سرکشیک زاده - بنده فرمایشات آقای حاج میرزا عبدالوهاب را ملتفت نشدم ایشان گویا تصور کرده اند که دولت میشود یک پول دستی به مسیومولیت بدهد.

خیر این در مقابل خدماتی است که تمام آقایان نماینده کان هم تصدیق میکنند که این شخص نسبت با اداره گمرک چه خدماتی کرده است و الحق اداره گمرک که از بهترین ادارات دولت ایران است و دولت هم در مقابل این خدمت آمده است و پیشنهاد کرده است در صورتی که استخدام او را لازم ندانند ماهی صد هفتاد و پنج تومان بایشان حقوق بدهد همین کار را هم شما نسبت به مستخدمین ایرانی که منتظر خدمت یا متقاعد شده اند کسب در صورتیکه خدمات مسیومولیت هم قابل انکار نیست و علت ندارد که ما برای او حقوق قائل بشویم.

بعلاوه حضرت عالی از فرمالیه صحبت کردید اینجا صحبت از فقر و بی پولی نیست.

گفته می شود در صورتی که دولت استخدام این شخص را مقنضی ندانند ما همانه صد هفتاد و پنج تومان با بدهد اشکالی هم ندارد.

بعرض از نمایندگان مذاکرات کافی است.

رئیس - رأی میگیریم به ماده اول.

تدین - بنده پیشنهاد **رئیس** - بلی آقای ندین پیشنهاد کرده اند که بعد از لفظ مولیت رئیس کل گمرکات اضافه شود.

مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - رأی میگیریم بماده اول با قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم مخالفی ندارد.

آقای سید یعقوب - بنده مخالفم. **رئیس** - بفرمائید.

آقای سید یعقوب - بنده میخوام تکلیف خود را ادا کنم آقایان هم البته عقایدشان را اظهار میفرمایند.

بفرمایش شاهزاده سلیمان میرزا که در دوره چهارم میفرمودند مسائل که در سیاست است از مسائل اجتهادی است و هر کس نسبت بقدمانی که مواج یک مسئله تحصیل کرده است یک گمان و یک ظنی پیدا کرده است بنده عقیده دارم و عرض می کنم.

بنده عرض میکنم با این خرج و با این فقر و پریشانی ملک ما اینقدر مقنضی نیست که ما یک مواج دیگری بر این مردم بدبخت تحصیل میکنیم ماده دوم این قانون همانطور که آقای مخبر هم فرمودند راجع بکرایه منزل است.

صدر اعظم ایران ماهی هشتاد تومان کرایه منزلش نیست آخر خوب است این قسمت را دو تحت نظر دریاوردید و تصور میکنم اگر ما از جیب خودمان هم برویم یک خانه اجاره نائیم و مرتبه اعلا مشاغل دولت ایران را هم دارا بشویم هشتاد تومان نمیشود خوبست فکر این راهم بکنیم.

بنده حمله نفرمائید و فکر نکنید. هر کس هر حرفی میزند مطابق با عقیده اش است.

والا کسی را منتهی نمیکند عرض میکنم بر این ملک فقیر که هر قاسر او را فقر گرفته است مقنضی نیست اینقدر مواج تحصیل کنیم.

حالا اگر بفرمائید تحصیل کنیم بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای معتمد السلطنه موافقت؟

معتمد السلطنه - بلی **رئیس** - بفرمائید.

معتمد السلطنه - این جیره که مسیومولیت داده می شود (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده دوم - دولت گمانی السابق منزلی شایسته که اجاره آن در ماه هشتاد تومان تجاوز نشاید با اختیار مسیومولیت مادامی که مشغول خدمت دولت است خواهد گذاشت.

رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

میکنم مخالفت در این مورد انتضا نداشته باشد.

بعرض از نمایندگان مذاکرات کافی است.

رئیس - رأی میگیریم بماده دوم **آقای شیخ محمد علی تهرانی** - بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام **رئیس** - آقای طهرانی پیشنهاد کرده اند اضافه شود مادام که مشغول خدمت دولت است.

مخبر مانعی ندارد همین طوری هم هست.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب هم پیشنهاد کرده اند که ماهی پنجاه تومان بشود برای چیست؟

این عنوانی که در قوانین ما رسم نبوده است خوب است به یک صیغه واحد هر مبلغی که میخواهند بپاورند و از مجلس بگذرانند.

تا اینکه یک جا حقوق، یک جا کرایه خانه، یک جا تقاعد، یک جا جیره، بنده این عنوان را نمیفهمم خوب بود گمسیون بودجه در تحت یک ماده هر چه را دولت پیش نهاد کرد، بود تصویب میکرد.

دیگر جیره بنده نمی دانم چه ورتی دارد.

رئیس - آقای معتمد السلطنه (اجازه)

معتمد السلطنه - همانطور که آقای مخبر فرمودند جیره یک چیزی است که به مسیومولیت داده میشود و یک ماه با امتیازی ماهی پنجاه تومان داده شود و باینجه تمام آن یک خانه خیلی خوبی می شود اجازه **مخبر** - بنده از آقای آقا سید یعقوب تقاضا میکنم همانطور که خودشان خواستند بنده تصدیق کنند خودشان هم از تراکت خارج نشوند خانه را از بلزیک بپاورده اند بنده هم میخوام عرض کنم در ماه خیر خانه در همین ایران است از بلزیک هم بپاورده اند اگر هم می آورند بطوری نمیشود خیلی هم خوب بود و مذنب ما هم اجازه نمیده یک هفتدی که بسته بدون دلیل بتوان فسخ کرد.

رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آقایانی که قابل توجهش می دانند قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم بماده دوم. قرائت می شود (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده دوم - دولت گمانی السابق منزلی شایسته که اجاره آن در ماه هشتاد تومان تجاوز نشاید با اختیار مسیومولیت مادامی که مشغول خدمت دولت است خواهد گذاشت.

رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم مخالفی نیست؟

آقای سید یعقوب - بنده مخالفم. **رئیس** - بفرمائید.

آقای سید یعقوب - بنده عرض میکنم نمیدانم این جیره عنوانش چیست؟ مواج سالی ده هزار تومان که عبارت از ماهی هفتصد و پنجاه تومان باشد برایش معین کرده اند دیگر این جیره برای چه چیز است.

از این ماهی هفتصد و پنجاه تومان صد و پنجاه تومان را خرج می کنند شش صد تومان را هم پس انداز نمایند دیگر این جیره برای چیست؟

این عنوانی که در قوانین ما رسم نبوده است خوب است به یک صیغه واحد هر مبلغی که میخواهند بپاورند و از مجلس بگذرانند.

تا اینکه یک جا حقوق، یک جا کرایه خانه، یک جا تقاعد، یک جا جیره، بنده این عنوان را نمیفهمم خوب بود گمسیون بودجه در تحت یک ماده هر چه را دولت پیش نهاد کرد، بود تصویب میکرد.

دیگر جیره بنده نمی دانم چه ورتی دارد.

رئیس - آقای معتمد السلطنه (اجازه)

معتمد السلطنه - همانطور که آقای مخبر فرمودند جیره یک چیزی است که به مسیومولیت داده میشود و یک ماه با امتیازی ماهی پنجاه تومان داده شود و باینجه تمام آن یک خانه خیلی خوبی می شود اجازه **مخبر** - بنده از آقای آقا سید یعقوب تقاضا میکنم همانطور که خودشان خواستند بنده تصدیق کنند خودشان هم از تراکت خارج نشوند خانه را از بلزیک بپاورده اند بنده هم میخوام عرض کنم در ماه خیر خانه در همین ایران است از بلزیک هم بپاورده اند اگر هم می آورند بطوری نمیشود خیلی هم خوب بود و مذنب ما هم اجازه نمیده یک هفتدی که بسته بدون دلیل بتوان فسخ کرد.

رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آقایانی که قابل توجهش می دانند قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم بماده دوم. قرائت می شود (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده دوم - دولت گمانی السابق منزلی شایسته که اجاره آن در ماه هشتاد تومان تجاوز نشاید با اختیار مسیومولیت مادامی که مشغول خدمت دولت است خواهد گذاشت.

رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

حالا میل آقایان است که او را کتترات کرده اند.

خودشان نمیدانند میخوانند به بند بدهند.

رئیس - آقای ندین (اجازه)

تدین بنده بنده اطلاعی ندارم از اینکه این حساب داده شده است یا نه.

مسئول رسیدگی باین امر هم مجلس نیست و این وظایف دولت است.

دولت می باید رسیدگی کند و باین حساب خانه بدهد و علاوه بر اینکه این پیشنهاد اینجا موقتش نیست تصور میکنم این هفتاد و پنج ربال را در از آن حساب بزرگی که ایشان نشان دادند گرو کسین چیز مضحکی است که هفتاد و پنج تومان را در ماه ندهید تا وقتی که حساب پانزده کرور را بدهد.

این بنظر بنده یک قدری خالی از منطقی است و این ماهی هفتاد و پنج تومان هم چیز تازه نیست.

در کتترات سابق قبل از کتتراتی که در دوره چهارم تصویب شده است یعنی در اولی که کتترات شده است این مبلغ بوده است کلمه جیره را هم با اصلاح معمول نباید تلفی کرد.

عبارت از طریق و اینها نیست مقصود آن کمک خرجی است که با داده میشود و تصور میکنم یک چیز تازه در این لایحه پیش بینی نشده است و تمام همان مسائلی است که قبل از کتترات دوره چهارم بوده است.

منتهی در دوره چهارم بواسطه یک وضعیاتی (که آقایان می دانند) و یک ترتیبیاتی بود که اینطور کتترات تصویب شد.

ولی در ظرف این مدت البت آقایان تصدیق میفرمایند که اینها در خدمات خودشان تصوری نکرده اند و خیلی هم خوب وظایف خودشان را انجام داده اند و باریک الله تنها هم بقیده بنده کافی نیست و احسن و آخرین هم کافی نیست و چیز زیادی هم به مسیومولیت داده نمیشود بلکه یک یک چیز معمولی بوده است که در تمام کتترات منظور بوده نهایت در دوره چهارم الان مذاکره شد.

آقای میرزا ایدالله خان - مقصود بنده تا این شد دیگر عرضی ندارم (پیشنهاد آقای اعتبار الدوله نائبا با اضافه کلمه (تا انقضای کتترات) بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم عبارت بطریق ذیل اصلاح شود در ازاه جیره مشارالیه که حذف شده است ماهی هفتاد و پنج تومان مدد معاش تا انقضای کتترات باقیان داده میشود.

بعضی از نمایندگان کان - تا انقضای مدت

علاوه بر حقوق کتترات مسیومولیت ماهی هفتاد و پنج تومان اضافه داده خواهد شد.

آقا شیخ محمد علی تهرانی - سینه جیره را در یک موقتی وضع کرده اند ولی این یک لفظ مستهجنی شده خوبست اسم جیره را برداریم و بنویسیم علاوه بر حقوق او این هفتاد و پنج تومان را میدهد حقش هم هست که با داده شود.

مخبر - این مسئله در گمسیون هم مذاکره شد ولی این چون یک اختصاصی است که بین رئیس گمرک است و سایر مستخدمین از این نقطه نظر است و الا این هم بنظر ما میرسد که بر حقوق او علاوه کنیم ولی این مربوط بقانون نیست و یک چیز اختصاصی است که بر رئیس گمرکات داده میشود.

رئیس - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (مده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای اعتبار الدوله (بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم عبارت بطریق ذیل اصلاح شود در ازاه جیره مشارالیه که حذف شده است ماهی هفتاد و پنج تومان مدد معاش باقیان داده میشود.

اعتبار الدوله - بطوریکه آقای ندین توضیح دادند و البت همینطور هم هست این وزراء جیره باقیان داده میشود حقوق کتتراتی این شخص مطابق قانونی که دارد در سال یک مبلغی اضافه میشود و این همان اضافه کتتراتی ایشان است که داده شده و در واقع سالیانه هم یک مبلغی بر حقوق ایشان اضافه میشود و چون مقصود مدد معاش است خوب است بهمان شکلی که مقصود است اصلاح شود.

مخبر - اگر یک کلمه (تا انقضای کتترات) بان اضافه کنند آنوقت نمیتوانم قبول کنم.

اعتبار الدوله - بنده هم قبول می کنم.

رئیس - آقای میرزا بدالله خان پیش نهاد جناب عالی گویا همین پیشنهادی است که الان مذاکره شد.

آقای میرزا ایدالله خان - مقصود بنده تا این شد دیگر عرضی ندارم (پیشنهاد آقای اعتبار الدوله نائبا با اضافه کلمه (تا انقضای کتترات) بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم عبارت بطریق ذیل اصلاح شود در ازاه جیره مشارالیه که حذف شده است ماهی هفتاد و پنج تومان مدد معاش تا انقضای کتترات باقیان داده میشود.

بعضی از نمایندگان کان - تا انقضای مدت